

ارزش واهمیت مساجد در اسلام



محدثی صرفی پور



یکی از نعمتهائی که خدا به مسلمانان داده است نعمت وجود مساجد است. مسجد محل جنگ و حرب با شیطان است لذا در او محراب وجود دارد. اجتماع مسلمانان در مسجد مهمترین ویژگی مسجد است که منافع بزرگ سیاسی، اخلاقی، علمی و اجتماعی و... برای مسلمانان بدنبال دارد. چیزی که در ادیان دیگر مشاهده نمی شود.

مسجد مشکل گشاست. گناهان را پاک می کند. حاجتها را روا می نماید. معضلات علمی را حل می کند. عقده دل را می گشاید. انحرافات اخلاقی را اصلاح می کند. معرفت الهی را به حد اعلی بالا می برد. و در آخر باید بگوئیم معضلات بزرگ بشریت همانند اعتیاد، افسردگی و خودکشی و... را می توان با استفاده درست از مسجد، حل نمود. زیرا علت اصلی اعتیاد و دیگر ناهنجاریها در دوری از معنویت و دوری از آرامش روحی می باشد. و مسجد آرامش دهنده روح آدمی است. مسجد محل بالارفتن روح آدمی از فضای آلوده مادی به عوالم معنوی آسمانی ملکوتی است.

روزی پیامبر اعظم ص وارد مسجد شدند و دیدند دو گروه در مسجد هستند. عده ای به تعلیم قرآن مشغولند و عده ای به تعلیم علم و دانش.

حضرت فرمودند هر دو گروه مورد تایید هستند ولی من به گروهی که مشغول تعلیم علم و دانش هستند می پیوندم. {آئین مسجد ج 1 ص 123}

اما با اینهمه کاربردها و منافع عظیم مسجد، بسیاری از مساجد فقط برای اقامه نماز جماعت و احیاناً سخنرانی در ماه مبارک رمضان و ماههای محرم و صفر استفاده می شوند و از بقیه امتیازات محرومند لذا سیل عظیم جوانان موفق به انس و حضور در مساجد نیستند و بجای حضور در این مکان های انسان ساز، جذب

ورزشگاهها، سینماها، پارکها، کلوپ ها و مراکز دیگری می شوند که هنوز شرایط مناسبی برای تربیت جسم و روح جوانان مسلمان پیدا ننموده اند. لذا ضروری است برای هدایت نسل جوان بسوی سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت، با آماده کردن مساجد و تجهیز این مکانها به امکانات فرهنگی و ورزشی و اقتصادی، استفاده از تکنولوژی روز، به احیاء مساجد اقدام نموده و از این برکت اسلامی کمال استفاده را بنمائیم.

قابل ذکر است که بعضی از مساجد در پایتخت کشورمان دارای این شرایط مناسب هستند و توانسته اند صدها جوان مسلمان را جذب نمایند اما رمساجدی که احیاء شده اند و شرایط مناسبی دارند در مقابل هزاران مسجدی که تک بعدی هستند بسیار ناچیز است.

1- مسجد مهمترین مرکز فرهنگی مسلمین

فرهنگ که نقش مهمی در سعادت یا شقاوت ملتها دارد در مکان ها و ابزارهای مختلفی تجلی پیدا می کند. در شعر. در نمایش. در سینما و محل تئاتر. در انواع هنرهای اقوام مختلف. در کتاب و کتابخانه. در موسیقی و غیره اما در میان همه مراکز فرهنگی، اسلام اهمیت فوق العاده ای برای مسجد قائل شده است. و مسجد را محور همه عملیات و کارهای فرهنگی که انسان ساز است و در به کمال رساندن بشریت نقش فوق العده ای دارد، قرار داده است.

لذا بیشتر اوقات حضور پیامبر در خارج از خانه، در مسجد بوده است. بیشترین سخنان پیامبر، موقعی بوده است که در مسجد حضور داشته است. و مهمترین حوادث اسلام، همچون اعلان جهاد، سخنرانی های بسیار مهم، قضاوت ها، محل خلافت

چند نفر از خلفاء، جلسات مشاوره پیامبر با اصحاب، جلسات تصمیم گیری در مورد امور مسلمین، همگی در مسجد بوده است. و در طول تاریخ این مرکزیت کم و بیش حفظ شده است. لذا سخنرانی حضرت فاطمه س در مسجد پیامبر، سخنرانی امام سجاد در مسجد شام، جلسات تربیت شاگردان اهل بیت در مساجد، و سخنرانی های علماء مبارز علیه استعمارگران در زمان میرزای شیرازی و در زمان مشروطه و از همه مهم تر بعد از 15 خرداد 42 تا پیروزی انقلاب اسلامی و در طول دفاع مقدس، بسته شدن نطفه بسیاری از گروههای مبارز، همه اینها در مسجد انجام شده است. معمولاً علماء بزرگوار ما مرکزیت مسجد را همیشه حفظ کرده و به مردم و دیگران این مسئله را گوشزد نموده اند.

اینجا وزارت فرهنگ است

یکبار در روز تاسوعا یا عاشورا مأمورین رضاخان به مسجد جامع آمدند که که مانع برگزاری مراسم عزاداری شوند و می گفتند باید از وزارت فرهنگ اجازه بگیرید.

در این حال آیت الله شاه آبادی، خطاب به آقای سید علی اصغر آل احمد که صدای خیلی خوبی هم داشت، فرمودند که ((زیارت عاشورا را بخوان!

مرحوم آل احمد هم شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و در اثر آن صدای گریه و ضجه عزاداری مردم در تمام بازار بلند شد. بعد هم آیت الله شاه آبادی خطاب به مأمورین رضا خان گفتند به آن مرد قلدر چاروا دار بگو که مانع عزاداری مردم نشود و به وزیر فرهنگ هم بگوید که در وزارت فرهنگش را ببندد. اینجا وزارت فرهنگ ماست.)) {عارف کامل}

بعضی خیال می کنند فرهنگ فقط موسیقی و شعر و کتاب و فیلم و خوانندگی و امثال آن است در حالی که در دین مبین اسلام، اولین مرکز فرهنگی و مهمترین ابزار فرهنگی، مساجد می باشند. اما با ورود فرهنگ غرب به کشورهای اسلامی از جمله کشور ایران، ما شاهد هستیم که جایگاه واقعی مساجد حفظ نشده و در اکثر مساجد، فقط به جنبه عبادی و اقامه نماز، بسنده می شود. با توجه به اینکه ما با تهاجم گسترده ای مواجه هستیم که کم کم نقش مساجد را در ذهن جوانان مسلمان کم رنگ و بلکه بی ارزش نموده و در مقابل نقش فیلم و موسیقی و هنر مبتذل را تقویت می کند، لذا بر متولیان امر لازم است از خواب غفلت بیدار شده و تلاش کنند که مسجد جای واقعی خود را حفظ نماید.

و این احیاء مساجد نیاز به چند ابزار قوی دارد:

- 1- تشکیل سازمانی بنام سازمان احیاء مساجد کشور
- 2- اختصاص قسمت اعظم بودجه فرهنگی کشور به مساجد
- 3- آگاهی بخشی در درجه اول به روحانیت معظم درباره اهمیت فوق العاده مساجد در زمان فعلی
- 4- محور قرار دادن مسئله مساجد در صدا و سیما و هنرها و سینما و غیره
- 5- اعزام خبرنگاران به مساجد مهم سراسر دنیا و پخش گزارش های آنان
- 6- تشکیل جلسات فرهنگی و دیگر جلسات حتی المقدور در مساجد
- 7- تجهیز مساجد که باید مانند یک اداره دای و سایل نقلیه، بودجه، امکانات سرمایی و گرمایی و نوری و صوتی مناسب و حقوق مکفی برای خدام وائمه جماعات و کارکنان مسجد باشد.

8- باید تربیت هنرمندان و ورزشکاران از طریق مسجد صورت گیرد. در مسجد آموزش فیلمسازی و کارگردانی و هنرپیشگی و امثال آن انجام گیرد تا محصولات دستگاه هنر، مسجدی باشد. و غیر متعهد نباشد.

متأسفانه یک نگاه از ابتدای انقلاب در مورد حوزه های علمیه و مساجد و مصلی ها بوده که نباید دولت در این سه موضوع وارد شود و این امور باید مردمی باشد. من از کسانی که این نظر و نگاه را دارند می پرسم اگر رسول الله الان زنده بود آیا با صرف بودجه از بیت المال برای مسجد مخالفت می کرد؟ آیا با صرف بیت المال در حوزه های علمیه و اعزام مبلغین مخالف بود؟ به نظر من هرگز پیامبر اعظم، مخالفت نمی نمودند. زیرا تبلیغ اسلام محور مأموریت ایشان بوده و برای تبلیغ اسلام، باید پول خرج نمود همانطور که ثروت خدیجه در راه اسلام صرف شد. یکی از فضائل اهل بیت ع این بوده که خیلی پول به مردم می بخشیده اند. و در باره حضرت ولی الله الاعظم امام مهدی عج است که وقتی حکومت تشکیل می دهد به کسانی که از او پول می طلبند آنقدر می بخشد که با تعجب می گویند هرگز همچو بخششی را ندیده ایم!

دشمنان اسلام میلیاردها تومان برای از بین بردن اسلام خرج می کنند آنوقت ما نظر می دهیم که نباید برای مساجد و حوزه های علمیه و مصلی ها و مبلغین از بیت المال صرف نمائیم!

علاوه بر کفار که برای ریشه کنی اسلام، هزینه های گزافی می کنند، افرادی به ظاهر مسلمان هم برای انهدام اسلام ناب محمدی تلاش می نمایند. در خبری از بولتنی خواندم که ملک عبدالله گفته بود ما در جنگ صدام، صد میلیارد دلار به او کمک

کردیم تا ایران را شکست دهد. الان حاضریم هزار میلیارد دلار بدهیم تا دولت شیعی عراق، سرنگون شود!

در یکی از شهرها دیدند نوجوانی سی دی میتدل می فروشد. از او پرسیدند اینهارا چند می خری که دویست تومان می فروشی؟ گفت من اینهارا نمی خرم. بلکه شخصی اینهارا رایگان به من می دهد و می گوید اینهارا ارزان در اختیار مردم قرار بده!

لذا باید در تقویت دین اسلام و مذهب حقه تشیع و در راه اشاعه فرهنگ قرآن و اهل بیت ع، سرمایه گذاری عظیمی با هزینه بیت المال و کمکهای مردمی و خیرین، صورت پذیرد تا بتوانیم با مجاهدت علماء و مبلغین و دست اندکاران امر تبلیغ، قدمهای بزرگی در گسترش اسلام ناب محمدی در کشورمان و در دنیا برداریم.

2- مسجد و دولتمردان

نقل شده پیامبر در مسجد کارهای حکومتی را پیگیری می کردند. در حالی که الان وزارتخانه ها و استانداری ها و فرمانداری ها از مساجد جدا هستند. و گاه صدای اذان بلند می شود و مسئولین به جلسات خود ادامه می دهند و اینکه جلسه را موقتاً تعطیل کرده و به مساجد بروند، برایشان سخت است! چون اهمیت مساجد را درک نکرده اند و اکثراً مسجد را فقط یک محل عبادت می دانند و بس. و این اهانت به مسجد است که همه منافع او را نادیده گرفته و فقط از بعد عبادی و بصورت یک معبد به آن نگاه کنیم.

تا زمانی که نگاه مسئولین کشور به مسجد نگاه عبادی صرف باشد، مسجد مظلوم مانده و از طرفی معضلاتی چون اعتیاد و پرشدن زندان ها و زیاد شدن پرونده های فساد و گناه را حل نشده خواهیم داشت.

باید اهمیت مسجد را بشناسیم و از آن در رفع مشکلات کشور عزیزمان استفاده نمائیم.

3- آسیب شناسی مسجد

- برای زنده کردن مساجد و برگزاری باشکوه نماز در مساجد و جذب جوانان به مسجد باید به نکات زیر توجه نمود:
- * مکان مسجد از نظر نور و روشنائی، وسایل سرمایشی و گرمایشی، صوتی، سادگی و زیبایی، داشتن حیاط ورودی های سهل الورد و... مناسب باشد
 - * امام جماعت مسجد از نظر تقوا، علم، و داشتن اطلاعات روز و خوش اخلاقی در جایگاه مناسبی باشد.
 - * هیئت امناء از نظر داشتن اعضاء مسن و تجربه به همراه اعضاء جوان و شاداب و مبتکر و همچنین حضور مرتب در مسجد و گذاشتن ساعتی از شبانه روز برای کارهای مسجد، مشکلی نداشته باشد.
 - * خادم مسجد از جهت داشتن سعه صدر و علاقه مندی به خدمت به مسجد و داشتن اعتقادات دینی متوسط مناسب باشد.
 - * مکبرین مسجد باید خوش قیافه و متبحر باشند.
 - * کانون و پایگاه مسجد نیز باید از جهت داشتن مسئولینی دلسوز که بدور از مسائل سیاسی و جناحی به اجرای برنامه های فرهنگی مشغول باشند، بی مشکل باشد.
 - * موقوفات و یا درآمدهایی برای مخارج مسجد منظور شده باشد.
 - * همانگونه که برای قسمت مردانه امکانات مهیا می شود برای قسمت خانم ها نیز باید امکانات منظور گردد.

4-مسجد محل پالایش روح

چه مکانی از خانه خدا برای جلا دادن دل و زدودن زنگها و پاک شدن از آلودگی ها
و پلیدی ها مناسب تر است؟

مکانی که جایگاه ملائکه است. جایگاه اولیاء خدا است. محل مناجات بندگان
است. و محل تصفیه روح از بدیهاست.

هگل و مسجد

هگل در خاطراتش نوشته است: در اسلامبول روزی به مسجدی رفتم. از سادگی
و صلابت مسجد شگفت زده شدم. و حال خوش و جذبه ای شورانگیز در خود احساس
کردم.

فیلسوف غربی و مسجد

ارنست رنان فرانسوی گفت: برخلاف سخنان ناروایی که درباره اسلام و عرب شنیده
بودم هرگاه وارد یکی از مساجد مسلمانان می شدم صحنه های دلپذیر و جذابی را
می دیدم که به خود می لرزیدم و افسوس می خوردم که چرا مسلمان نیستم!

جوان چشم چران در مسجد پیامبر

به پیامبر اعظم ص گفتند جوانی که پشت سر شما نماز می خواند چشم چران است!
پیامبر فرمود او را رها کنید. همین نماز او را توبه می دهد و مانع کار زشتش می شود.
{کتاب ارزش و اهمیت نماز}

جوان دزد و مسجد پیامبر

به پیامبر اعظم ص گفتند جوانی که پشت سر شما نماز می خواند دزدی می کند!
پیامبر اعظم ص فرمود او را رها کنید این نماز او را توبه می دهد. {کتاب ارزش
و اهمیت نماز}

گناهانت پاک شد

«نقل شده که روزی جوانی درموقع نماز بلند شد و به پیامبر اسلام (ص) گفت: یا رسول الله من آلوده‌ام! مرا پاک کن. پیامبر رو از او بر گردانیدند و مشغول نماز جماعت شدند. بعد از نماز، باز آن جوان بلند شد و گفت: یا رسول الله! من آلوده‌ام! مرا پاک فرما! حضرت فرمود: مگر شما بالباس پاک به این مسجد نیامدی و با نماز نخواندی؟ گفت: چرا. فرمود: این نماز تو را از گناهان پاک نمود.»

{کتاب ارزش و اهمیت نماز}

5- مسجد مرکز انسان سازی

یکی از منافع مسجد برای بشریت، بعد انسان سازی مسجد است. چه بسیار انسان هایی بوده اند که در اثر حضور در مساجد، دچار انقلاب روحی شده و به کمالاتی دست پیدا کرده اند.

دانشمند برگشت!

«عربی به مسجد آمد و از پیامبر درخواست کرد که به او قرآن یاد دهد. حضرت به یکی از مسلمانان فرمود که او را گوشه مسجد ببرد و آیاتی را به او بیاموزد. او هم مرد عرب را به کناری برد و شروع به آموختن سوره زلزال به او نمود. وقتی به آیات «فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره ومن يعمل مثقال ذره شراً يره» عرب پرسید: واقعاً خدا از تمام اعمال

خوب و بد انسان خبر دارد و آنها را در قیامت به بنده اش نشان می دهد؟ گفت: آری. عرب گفت: فهمیدم.

سپس خدا حافظی کرد و رفت. مسلمان نزد پیامبر رفت و داستان عرب را به حضرت گفت. حضرت فرمود: این مرد دانشمند برگشت. {باقرا آن بیشتر آشناشویم}

چرا خانواده ها از این منافع مساجد، غافلند و حضور کم رنگی دارند؟ چرا فرزندان خود را به مساجد نمی برند؟ چرا خود به مسجد رفت و آمد نمی کنند؟ و چرا علت بسیاری از مشکلات خود را، قهر کردن با مسجد نمی دانند؟

میرفندرسی و معبد هندوها

گویند میرفندرسی فیلسوف زمان شیخ بهائی در سفری به هندوستان از معبدی بازدید می کرد. یکی از هندوها گفت علت اینکه معابد ما چندین هزار عمر می کند و خراب نمی شود ولی مساجد شما مسلمانها بعد از چند سال تخریب می شود این است که ما بر حقیق و شما باطلید!

میرفندرسی گفت اتفاقا قضیه برعکس است و این نشان دهنده آن است که ما بر حقیق و شما باطلید!

هندو گفت دلیل شما چیست؟

میرفندرسی گفت چون شما در معابد خودتان فقط حرفهای کفر آمیز بر زبان جاری می کنید این حرفها بالا نمی رود! ولی ما مسلمانها وقتی کلمه توحید و تکبیر را بر زبان جاری می کنیم این سخن بالا می رود تا به آسمانها برسد لذا سقف مسجد شکاف برمی دارد!

هندو گفت این را ثابت کن!

میرفندرسکی وضو گرفته و دو رکعت نماز خواند و در وسط معبد ایستاد و فریاد

زد: الله اکبر!

ناگاه سقف معبد شکاف برداشت و ستونها لرزیدند!

{کتاب ارزش و اهمیت نماز}

6- مسجد ماوای توبه کنندگان

یکی از مهمترین پناهگاه توبه کنندگان، مساجد هستند. در شبهای احیاء ماه مبارک، در ایام اعتکاف، در شبهای جمعه و چهارشنبه و در ساعات وزمانهای مختلف، مسجد بهترین مکان برای توایین است. آنهایی که مدتی از خدا فرار نموده اند، ناگاه بدلایلی تصمیم می گیرند برگردند و بندگی خدا را بکنند و دست از ناروایی بردارند. چه جایی از مسجد بهتر؟ خانه ارباب و سید و مالک جهان هستی که همیشه پذیرای افراد توبه کننده می باشد.

عابد، فاسق و فاسق، عابد گردید

امام صادق (ع) فرمود: دو نفر عابد و فاسق وارد مسجد شدند چون بیرون رفتند فاسق عابد و عابد فاسق گردید زیرا وقتی وارد مسجد شدند عابد از عبادت خود دچار غرور و کبر گردید پس اعمالش باطل شد و فاسق احساس پشیمانی و ذلت در مقابل خدا کرده پس خدا او را بخشیده و هدایتش کرد.

توبه ابولبابه

وقتی هنگام محاصره یهودیان بنی قریظه توسط لشکر اسلام، آنها با ابولبابه مشورت کردند و گفتند اگر تسلیم شویم، رسول

خدا(ص) با ماچه می کند؟ ابولبابه با دست به گلویش اشاره کرد. یعنی مردانتان کشته می شوند. اما بلافاصله پشیمان شد و برای توبه به مسجد رفت و خود را به ستونی بست. در مورد او این آیه نازل شد: «ای مؤمنین! هرگز آگاهانه به خدا و رسول و امانتهای او خیانت نکنید»

وقتی قضیه او را به رسول خدا(ص) گفتند، فرمود اگر نزد من می آمد برایش از خدا طلب آمرزش می کردم. ولی حالا باید صبر کند تا آمرزش خدا نصیبش شود.

ابولبابه همینطور به ستون خود را بسته بود و همسرش در اوقات نماز او را باز می کرد و بعد از نماز دوباره او را می بست. تا اینکه در قبول توبه اش این آیه نازل شد: «گروهی دیگر به گناهشان اعتراف کرده و خوب و بد را باهم مخلوط نموده اند شاید خدا توبه آنها را پذیرد. خداوند آمرزنده و رحیم است»

مردم آمدند تا او را باز کنند ولی ابولبابه گفت دوست دارم رسول خدا(ص) این طنابها را باز کند. وقتی رسول خدا(ص) برای نماز به مسجد آمد، با دستهای مبارکش او را باز کرد. {حیوه القلوب ج 2}

توبه مرگبار

گویند ثعلبه گناهی را مرتکب شد که رسول خدا(ص) و مردم مدینه او را بطور موقت از خود راندند. ثعلبه به بیابانها رفت و مشغول توبه شد تا اینکه توبه او قبول شد. امیر المؤمنین(ع) باتفاق سلمان بدنبال او رفتند و او را به مدینه آوردند. وقتی آنها به مدینه رسیدند موقع نماز عشاء شده بود. آنها به مسجد رفتند و به رسول خدا(ص) اقتدا نمودند. رسول خدا(ص) بعد از سوره حمد، شروع به خواند سوره تکاثر نمود. همینکه آیه اول را تلاوت فرمود:

«الهیکم التکاثر»

یعنی ثروت اندوزی شما را مشغول نموده است.

ثعلبه نعره‌ای زد. چون حضرت آیه دوم را قرائت فرمود:

«حتّٰی زُرْتُمُ المقابر»

تا زمانی که قبرستان را مشاهده نمودید.

ثعلبه بیشتر ناله کرد.

و چون آیه سوم را شنید:

«کَلَّا سَوْفَ تعلمون»

نه چنین است. بزودی خواهید فهمید!

ثعلبه نعره‌ای کشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد. {خوبیها

وبدیها}

توبه سیّد!

شخصی از سادات قم بنام حسین بطور علنی شراب می‌خورد
و مست می‌کرد. او روزی بدرخانه احمد بن اسحاق قمی نماینده
امام عسگری (ع) رفت ولی وی اجازه ورود را به او نداد. حسین هم با ناراحتی
به خانه‌اش برگشت.

بعد از مدتی احمد بن اسحاق به سامراء رفت ولی وقتی به
درخانه امام عسگری (ع) رفت، امام اجازه ورود به او ندادند. احمد ناراحت شد
و به گریه کردن و التماس نمودن افتاد تا اینکه امام به او اجازه دادند.

وقتی خدمت امام رسید، عرض کرد: یابن رسول الله! چرا با اینکه از شیعیان
شما هستم، اجازه ورود بمن نمی‌دادید؟

امام فرمود: زیرا تو پسر عموی ما را به خانه ات راه ندادی! احمد به گریه افتاد و گفت: من به این علت او را راه ندادم تا از شرابخواری توبه کند! امام فرمود:

راست می گوئی ولی در عین حال چاره‌ای نیست جز اینکه سادات را در هر حال احترام نمائی و آنان را تحقیر ننمائی و به آنان توهین نکنی! و الا دچار ضرر و خسارت خواهی شد زیرا آنان بمامنتسب هستند.

احمد بعد از مدتی به قم برگشت. عده‌ای از بزرگان قم برای زیارت وی به خانه‌اش آمدند. حسین هم جزء آنان بود. همینکه چشم احمد به حسین افتاد، از جای خود بلند شد و او را احترام کرد و در کنار خود در بالای مجلس نشاند! حسین که تعجب کرده بود، علت این احترام فوق العاده را پرسید. احمد ماجرای خود را با امام تعریف کرد. وقتی حسین این ماجرا را شنید، از اعمال زشت خود پشیمان شد و توبه کرد و به خانه خود رفت و آنچه شراب داشت دور ریخت و لوازم شرابسازی را از بین برد و از مردان با تقوا و اهل عبادت گشت بطوریکه همیشه در حال اعتکاف در مسجد بود تا اینکه از دنیا رفت و در کنار قبر فاطمه معصومه (ع) دفن گردید. «ستارگان درخشان ج 123 ص 28»

7- مسجد مرکز مبارات ضد استکباری

در طول تاریخ اسلام، یکی از جایگاه‌های مساجد، قرار گرفتن به عنوان پناهگاه و سنگر اسلام علیه کفر جهانی بوده است. چه در ایران و چه در کشورهای مسلمان

دیگر. مخصوصا در مبارزات علماء علیه پهلوی ها، بخوبی از این سنگر، استفاده گردید.

هر وقت شاه، گبر شد

در زمان رضاخان، زمانی قصد کردند نماز جماعت مساجد را تعطیل کنند. در مسجد جامع که ائمه جماعت متعددی داشت، هریک از آنها به دلیلی نیامدند، یکی به مسافرت رفت، دیگری به اصطلاح مریض شد!! اما آیت الله شاه آبادی برای نماز عازم مسجد شدند.

آن روز عوض مردم نماز گزار، عده‌ای قزاق در مسجد مستقر شده بودند، در راه مسجد، یکی از مریدهای آقا به ایشان می‌گوید: در مسجد قزاق‌ها ریخته‌اند، آقا می‌فرمایند: خب، قزاق ریخته باشد! و وارد مسجد می‌شوند.

یکی از افراد دولتی با لباس شخصی جلو می‌آید و به آقا می‌گوید: آقامگر نمی‌دانید نماز تعطیل است؟ آقا در حالی که حتی سرشان را بلند نکرده بودند که او را نگاه کنند به او فرمود: برو بگو گنده‌تر از تو بیاد! گفت: من بزرگتر هستم.

آقا فرمود: اگر با تو حرف بزنم، بعدا کس دیگری نیست که اعتراض کند؟ گفت: خیر

فرمودند: اینجا کجاست؟

گفت: تهران

فرمود: نه اینجا که ایستاده‌ای و با تو صحبت می‌کنم کجاست؟

گفت: مسجد

فرمودند: من کی هستم!

گفت: پیشنماز

فرمودند: مملکت، چه مملکتی است؟

گفت: ایران

فرمودند: ایرانی، دینش چیست؟

گفت: اسلام

فرمودند: شاه چه دینی دارد!

چون نمی توانست بگوید مخالف قرآن و نماز و اسلام است گفت:
شاه مسلمان است.

ایشان فرمودند: هروقت شاه گبر شد و اعلام کرد که من کافر و یا
یهودی و نصرانی هستم و بالای سر این مسجد ناقوس زدند من که
پیشنماز مسلمانان هستم، می روم و در مسجد مسلمانان نماز می خوانم.
ولی مادامی که این جا ناقوس نزدند و شاه هم اعلام گبریت و کفر نکرده،
من پیشنماز مسلمانان باید این جا نماز بخوانم.

پس از این گفت و گو، وارد شبستان شدند و با اینکه کسی برای نماز
در مسجد نبود، داخل محراب به نماز ایستادند. یکی از نمازگزاران که ایشان
را دیده بود، در مسجد فریاد (الصلوه) را بلند کرد. مردم هم که نماز گزار
بودند با وضع وجود آمده، مشتاق تر شده بودند و به مسجد هجوم آوردند و
بساط شاه و قزاق ها به هم خورد. {عارف کامل}

شهید سید محمد علی قاضی طباطبائی

درباره شجاعت و صلابت ایشان آمده است که قبل از انقلاب زمانی که ایشان
در مسجد بودند، عده ای از جوانان پرشور با شعار «مرگ بر شاه» وارد مسجد

شدند. افراد مسلح شاه نیز به قصد دستگیری اینان خواستند با کفش کثیف و آلوده خود، حریم مسجد را آلوده سازند. آیه الله قاضی دستور داد، در مسجد را ببندند و مانع ورود ناپاکان گردند.

سفاکان رژیم، وحشیانه به پشت بام مسجد هجوم آوردند و اطراف کولرها گاز اشک آور انداختند! در اثر مکش کولرها، فضای مسجد از گاز اشک آور، پر شد و مردم به زحمت افتادند و دو چشم ضعیف آقا، بشدت متورم شد و حتی عده‌ای

دچار خفگی شدند که فوراً تنفس مصنوعی داده شدند و آتش برافروختند. مردم فداکار، با تکیه بر کوه ایمان و اراده، مراسم را به آخر رساندند. آیه الله قاضی حرکت کرد و هنگامیکه می‌خواست از بازار وارد خیابان فردوسی بشود، مأمورین مسلح جلو ایشان و جمعیت همراه وی صف کشیدند.

سرکرده مغرور آنان رو به آیه الله قاضی فریاد کشید:
شما نمی‌توانید از طرف خیابان بروید، زیرا اگر مردم شما را ببینند، تحریک شده و بر علیه رژیم تظاهرات می‌کنند!

هنوز عربه‌ی مزدور بپایان نرسیده بود که سیّد بی‌باک، قدم به میدان گذاشت و چنان سیلی محکمی به گوش افسر نواخت که کلاش پیرواز در آمد و بدن بال آن، بانگ فریاد برکشید: خجالت نمی‌کشید!... مردم را در مسجد به حبس کشیدید و با گاز اشک آور مورد آزار و اذیت قرار دادید؟ حالا هم بیشرمانه می‌گویید: از طرف دیگر بروید!... شما چه مربوط است که ما از کدام مسیر می‌رویم! با این عمل و فریاد، آن مزدور شاه با خفت و خواری خود را کنار کشید. {داستانهایی از زندگی علماء}

اولین سخنرانی امام در عراق

امام اولین سخنرانی خود را در عراق در 23 آبان 44 در مسجد شیخ انصاری ایراد کردند و در آن به بیان مسائل مختلف جهان اسلام و مسوولیت علماء پرداختند امام در اول بهمن 48 بحث حکومت اسلامی را دزیر عنوان ولایت فقیه در مسجد شیخ انصاری آغاز کردند. با طرح این مباحث، هدف نهائی امام از مبارزات مشخص شد و آن تشکیل حکومت اسلامی در ایران بود {نهضت امام خمینی}

نقش شبکه مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی

در بین سالهای 1343 تا 1356 مساجد در ایران کانون دروس ایدئولوژی اسلامی بود. کلاسهای اصول عقاید، مبانی ایدئولوژی اسلام، تدریس و تفسیر قرآن از پرجاذبه ترین برنامه ها برای جوانان مخالف رژیم بود.

روحانیون منبری و خطیب در مساجد شهرهای مختلف ایران مردم را جمع کرده و علیه رژیم افشاگری می نمودند. روحانیت مبارز توانستند که مساجد را بعنوان پر قدرت ترین، پرتحرک ترین و پرتجمع ترین مرکز مبارزه علیه طاغوت در بیاورند. بعنوان مثال طبق گزارش ساواک در ماه رمضان هر شب بیش از دوازده هزار نفر در سخنرانی های مسجد قبا تهران شرکت می نمودند.

پیر بلانشه در کتاب انقلاب به نام خدا می نویسد: (انقلاب ایران از مساجد بیرون آمد و شاهنشاهی که توسط شاه استقرار یافته بود، شروع به متلاشی شدن نمود.)

در آن موقع آمار مساجد ایران بین سی تا سی و پنج هزار باب بوده است. که دوهزار و صد مسجد در تهران قرار داشته است.

بخاطر دخالت شبکه مساجد در انقلاب اسلامی، انقلاب ملت ایران در تمامی کشور گسترش یافت بر عکس دیگر انقلابات که منحصر در چند شهر بود.

بختیار می گوید: (آیه الله خمینی برای جمع آوری پیروانش در هر شهری، صدها مسجد در اختیار داشت، شعارها از نظر مردم مشخص بود، همه فریاد می زدند زنده باد اسلام.) {کتاب چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران}

مسجد مرکز فعالیت ضد طاغوتی رهبری

در بین سالهای 1350-1353 درسهای تفسیر و ایدئولوژی آیت الله خامنه ای در سه مسجد «کرامت»، «امام حسن» و «میرزا جعفر» مشهد مقدس تشکیل می شد و هزاران نفر از مردم مشتاق بویژه جوانان آگاه و روشنفکر و طلبان انقلابی و معتقد را به این سه مرکز می کشاند و با تفکرات اصیل اسلامی آشنا می ساخت. درس نهج البلاغه ایشان از شور و حال دیگری برخوردار بود و در جزوه های پلی کپی شده تحت عنوان: «پرتوی از نهج البلاغه» تکثیر و دست به دست می گشت. طلبان جوان و انقلابی که درس حقیقت و مبارزه را از محضر ایشان می آموختند، با عزیمت به شهرهای دور و نزدیک ایران، افکار مردم را با آن حقایق نورانی آشنا و زمینه را برای انقلاب بزرگ اسلامی آماده می ساختند. این فعالیت ها موجب شد که در دی ماه 1353 ساواک بی رحمانه به خانه آیت الله خامنه ای در مشهد هجوم برده، ایشان را دستگیر و بسیاری از یادداشت ها و نوشته هایشان را ضبط کنند. این ششمین و سخت ترین بازداشت ایشان بود و تا پاییز 1354 در زندان کمیته مشترک شهربانی زندان بودند. در این مدت در سلولی با سخت ترین شرایط نگه

داشته شدند. سختی هایی که ایشان در این بازداشت تحمل کردند، به تعبیر خودشان «فقط برای آنان که آن شرایط را دیده اند، قابل فهم است». پس از آزادی از زندان، به مشهد مقدس برگشتند و باز هم همان برنامه و تلاش های علمی و تحقیقی و انقلابی ادامه داشت

فعالیت های شهید آیه الله سعیدی در مسجد

پس از مراجعت آیه الله سعیدی از نجف با صلاحدید امام (ره) به امامت جماعت مسجد موسی بن جعفر «علیه السلام» در تهران برگزیده شد و این مسجد بود که، به صورت سنگری برای مبارزه آن شهید سعید در آمد. جوانان به گرد او جمع شدند و در سایه فعالیت های علمی وی، از چشمه های معارف اسلامی، جرعه ها برگرفتند. تلاش های وی در این پایگاه هدایت و مبارزه، عبارت بود از: تفسیر قرآن کریم، سخنرانی های متعدد، که بیشتر آن توسط خود او صورت می گرفت، ایجاد کتابخانه، دعوت سخنران از قم.

(سخنرانی امام سجاد در مسجد شام)

امام سجاد بالای منبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم خدا به ما شش عطا و هفت فضیلت داده است. اما شش عطاء به ما خداوند علم و بردباری و سخاوت و فصاحت و شجاعت و قرار دادن محبت ما را در دلهای مؤمنین داده است و اما هفت فضیلت از ما است پیامبر اسلام و از ما است علی (ع) و از ما است جعفر طیار و از ما است حمزه سید الشهداء و از ما است حسن و حسین سبط این امت و از ما است مهدی صاحب الزمان (عج).

هر کس مرا میشناسد بشناسد و هر کس مرا نمی شناسد من او را باخبر می کنم. ای مردم منم فرزند مکه و منم فرزند زمزم و صفا منم فرزند کسبکه زکوه را به مستحقان می داد و بهترین حج بجا آورد ، منم فرزند کسبکه بهترین طواف و سعی را بجا آورد. منم فرزند کسبکه از مسجدالحرام به مسجد الاقصی در یک شب رفت. منم فرزند کسبکه جبرئیل به وسیله او به سدره المنتهی رفت. منم فرزند علی مرتضی منم فرزند کسبکه آنقدر به بینی مشرکین با شمشیر زد تا گفتند: لا اله الا الله. منم فرزند کسبکه ها دو شمشیر جهد کرد و با دو نیزه جنگید و دو هجرت داشت و دو بیعت کرد و در بدر و حنین مبارزه نمود و یک چشم بهم زدن به خدا کافر نشد.

منم فرزند صالح مؤمنین و وارث پیامبران و کشنده ملحدان و سرور مسلمین و نور مجاهدین و زینت عابدین.

منم فرزند فاطمه زهرا ، منم فرزند سیده نساء...

با آن بلاغت و فصاحتی که امام سجاد داشت، چنان این سخنان اثر کرد که صدای گریه و زاری مردم شام بلند شد و نزدیک بو قیامی درگیرد. یزید دستور داد که مؤذن برای قطع سخنان امام اذان بگوید.

مؤذن گفت: اشهدان لا اله الا الله امام فرمود که شهادت می دهد به توحید، پوستم و مویم و گوشتم مؤذن گفت که اشهدان محمدا رسول الله پس امام از بالای منبر رو به یزید کرده و گفت ای یزید این حمدی که بر رسالت او شهادت داده می شود جد من است یا جد تو اگر جد من است پس چرا فرزندان او را کشتی و عترتش را هتک کردی در اینجا بود که مردم از هم می پرسیدند راست می گوید؟ چرا یزید این جنایت را کرد؟

یزید که موقعیت را بد دید از مجلس خارج شد و این چنین زمینه انقلاب مردم فراهم گردید و کار به جایی رسید که یزید خود را از کشتن حسین (ع) و یارانش

تبرئه می کرد و می گفت: خدا لعنت کند ابن زیاد را که بدون اجازه من اینکار را کرد. {زندگانی امام حسین ع}

مقام رهبری فرمود: انقلاب از خانه مذهب - یعنی مسجد و مدرسه دینی - آغاز شد و جهت گیری مذهبی در انقلاب، روز به روز افزایش پیدا کرد و نقش مذهب و ارزشهای معنوی، آن قدر قوی شد که کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این گونه آدمها به میدان نمی آیند، حتی افراد مسن و بی خبر از مسایل سیاسی و آدمهایی را که در شهرها و روستاهای دورافتاده زندگی می کنند، به میدان انقلاب و مبارزه کشاند.

{سخنرانی 1368/11/20}

8-مسجد محل معجزات الهی

یکی از مسائل مربوط به مسجد،معجزات و کراماتی است که در مساجد در طول تاریخ اسلام،ظهور یافته است.

چه در زمان خود پیامبر اعظم وچه درزمانهای بعد،معجزاتی که نشان دهنده قدرت قادر متعال ونشان دهنده حقانیت حجت های الهی بوده است.

نشان دادن علی(ع)بعد از شهادت

بعد از شهادت امیرالمؤمنین(ع)،عده ای نزد امام حسن(ع)آمدندودرخواست کردندکه: از آن معجزاتی که پدرت داشت،توهم یکی بمانشان بده!

امام فرمود:آنگاه ایمان می آورید؟

گفتند:آری!بخدا سوگند ایمان می آوریم.

حضرت گوشه پرده را کنار زدند.ناگاه مردم مشاهده کردند که علی(ع)در آنجا نشسته است.

امام فرمود:این شخص را می شناسید؟

گفتند: آری این امیر مؤمنان علی (ع) است. ماهمگی شهادت می‌دهیم که تو حجت بر حق خدائی و تو بعد از علی (ع) امام هستی. همانطور که بعد از رحلت پیامبر، علی (ع) او را در مسجد قبا به ابوبکر نشان داد، تو هم امیر مؤمنان را بما نشان دادی.

امام فرمود: مگر سخن خدا را در قرآن نخوانده‌اید که می‌فرماید:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» بقره 154

وقتی که شهداء این مقام را داشته باشند که بعد از شهادت زنده باشند، دربارهٔ ما چه می‌توانید بگوئید؟

همگی گفتند: ای فرزند رسول خدا! ما ایمان آوردیم و تو را تصدیق می‌کنیم. «بحار ج 43»

اخبار پیامبر از جنگ موته در مسجد

علی (ع): در جنگ موته، لشکر اسلام در مرز روم مشغول جنگ با دشمن بود و پیامبر در مسجد مدینه، اخبار جنگ را نقل می‌کرد. وقتی لشکر اسلام مراجعت کرد، دیدند همانطور بوده است که حضرت نقل می‌کرد. «ستارگان درخشان ج 1 ص 29»

زنده شدن سام!

در زمان پیامبر (ص) عده‌ای از یمن نزد حضرت آمدند و گفتند:

ما باقیماندهٔ ملتهای گذشته از آل نوح (ع) هستیم. حضرت سام (ع) که جانشین نوح (ع) بوده است در کتابش آورده که هر پیامبری جانشینی دارد. جانشین شما کیست؟ پیامبر به علی (ع) اشاره کرد.

گفتند اگر از او معجزه‌ای بخواهیم می‌تواند انجام دهد؟

فرمود، با اذن الهی آری! سپس حضرت به علی(ع) فرمود با آنان به مسجد برو و پایت را به زمین نزدیک محراب بزن!

علی(ع) همراه آنان به مسجد رفت و دو رکعت نماز خواند و سپس پایش را بر زمین نزدیک محراب زد. ناگاه زمین باز شد و تابوتی ظاهر گشت و از میان تابوت، پیامبری که صورتش مثل ماه می درخشید و خاک از سر و صورتش می تکاند و ریش بلندی داشت، بیرون آمد و گفت:

اشهد أن لا اله الا الله وأنَّ محمداً رسول الله سيد المرسلين وأنتك عليّ وصيّ محمد سيد الوصيين وانا سام بن نوح!

در این موقع آنان کتابهای خود را باز کردند تا قیافه سام را با آنچه در کتاب آمده مطابق دیدند.

آنها گفتند: ای سام! ما خواستار خواندن سوره‌ای از کتاب نوح(ع) هستیم! سام شروع به خواندن سوره‌ای کرد و سپس بر علی(ع) سلام کرد و در تابوت خوابید و زمین برهم آمد و مثل سابق شد.

آنها با دیدن این معجزه گفتند: تنها دین در نزد خدا اسلام است. «بخارج 41 ص 212

تولد در کعبه

در مورد برتری بر حضرت عیسی(ع) آمده که وقتی حضرت مریم(ع) خواست فرزندش را بدنیا بیاورد، خطاب رسید که از عبادتگاه بیرون برو! زیرا اینجا محل عبادت است نه محل تولد فرزندان! در نتیجه حضرت مریم از مسجد الاقصی بیرون رفته و در بیابان، کنار درختی زایمان کرد.

ولی در زمان ولادت علی(ع)، کعبه شکافته شد و مادر علی(ع) داخل خانه شد و علی(ع) در کعبه متولد شد....

سرطان حنجره از بین رفت!

حجه الاسلام شیخ عباس عاشوری گفت: سی سال قبل دچار سرطان حنجره شدم و من دیگر قادر به صحبت کردن نبودم. پزشکان گفتند که مرض تو قابل معالجه نیست.

ایام محرم رسید و من که هر سال محرم، منبر می رفتم و حال محروم شده ام نذر ام البنین کردم که روز شنبه روزه بگیرم و خطاب به آن بانو گفتم: ما هر سال شبهای محرم گریه کرده و منبر می رفتیم ولی امسال محروم شده ایم. شب اول نماز مغرب و عشا را خواندم. گویا به من الهام شد که به مسجد برو. به مسجد رفتم. عزاداری برقرار بود ولی منبری نداشتند. مردم با دیدن من به گریه افتادند. من بی اراده به طرف منبر رفتم و از پله های آن بالا رفتم. پس از قرار گرفتن بر منبر، یک دفعه شروع به سخنرانی کردم. بسم الله الرحمن الرحیم.. و 1/5 ساعت صحبت کردم. چه مجلسی شد. همه ناله و گریه می کردند و ضجه می زدند. من هم متوجه شدم که مریضی ام برطرف شده. از آن موقع تا کنون دیگر کسالتی ندارم. {چهره درخشان قمر بنی هاشم ع}

داستان حاج عبدالرحیم آبگوشتی در محله یهودیها

در شیراز مرحوم حاج محمد رحیم ایزدی معروف به آبگوشتی زندگی می کرد که هر روز زیارت عاشورا می خواند و شب پس از نماز جماعت یک یا دو نفر روضه خوان می آورد که روضه می خواند و بعد سفره آبگوشت را پهن می کردند. هر که می خواست با خود می برد و هر که می خواست سر سفره غذا می خورد.

پسرش می گوید که: پدرم مریض شد و بما گفت که مرا به مسجد ببرید. دوست دارم در مسجد بمیرم. ما هم او را به مسجد

بردیم. شبی حالش خیلی بد شد و چون احتمال مردنش را دادیم، او را بخانه برگردانیدیم. او در حال مردن بود و ما هم گوشه‌ای ایستاده و گریه می‌کردیم و درباره کفن و دفن و کارهای بعد از آن مذاکره می‌نمودیم. سحر که شد ناگاه ما را صدا زد. وقتی نزدش رفتیم دیدیم که عرق زیادی کرده است و گفت: آسوده باشید و بروید بخوابید که من نمی‌میرم و خوب می‌شوم. بعدها تعریف کرد که در حال مردن خود را در محلهٔ یهودیه‌ها دیدم و از بوی بد آنها در اذیت بودم. من ناراحت شده و به درگاه خدا نالیدم. ندا آمد که اینجا محل ترک کنندگان حج است! گفتم: پس توسلات و خدمات من به امام حسین (ع) چه میشود؟ ناگاه آن منظرهٔ هول‌انگیز رفت و تبدیل بجای فرح بخشی شد. و گفتند که: خدمات تو پذیرفته شد و به شفاعت حضرت، ده سال بر عمرت افزوده شد تا حج واجب را بجا آوری. «داستانهای شگفت شهید دستغیب»

9- مسجد عبادتگاه اولیاء خدا

از مهم ترین مکانهای عبادت الهی، مساجد هستند که بندگان خدا بعنوان مهمان بر میزبانان، خداوند صمد وارد می شوند و در پیشگاه او عبادت می نمایند.

علی ع در مسجد

در ماه رمضان، امام در مسجد معتکف بود. عربی غریب که امام را نمی‌شناخت وارد مسجد شد و موقع افطار مهمان علی (ع) گردید. وقتی نان

جو علی(ع) را دید سهم خود را به گوشه عمامه بست و از مسجد خارج شد و پس از پرس وجو در مورد اینکه کجا افطاری می دهند، او را به خانه امام حسن(ع) راهنمایی کردند. وارد خانه حضرت شد و بر سر سفره نشست و غذای خوب خورد. سپس به امام حسن(ع) گفت: در مسجد مرد غریبی است که جز این نان جو کوییده، غذایی ندارد. دلم برایش سوخت. اجازه می دهید از این غذاها مقداری برایش ببرم که بخورد؟ در این موقع امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به گریه افتادند و گفتند: او پدرمان امیر المؤمنین(ع) است که با دنیا و با نفسش مبارزه می کند.» {خوبیها و بدیها}

خدا یا! برایت مهمان آمده

نقل شده که:

هنگام وضو رنگ امام مجتبی(ع) دگرگون می شد و حالت وحشت زده به امام دست می داد. علت را می پرسیدند. می فرمود: می خواهم در مقابل پروردگار عالمیان بایستم هر وقت بطرف مسجد می رفت و به مسجد می رسید، سر خود را بسوی آسمان بلند می کرد و می گفت: الهی ضیفک ببابک، یا محسن قدا تا ک المسیء فتجاوز عن قبیح ما عندی بجمیل ما عندک یا کریم! {بحار}

سید مهدی قزوینی

«رسم سید در ماه رمضان چنین بود که نماز مغرب را با جماعت در مسجد می خواند. سپس نافله مغرب را که در ماه رمضان جمعا هزار رکعت می شود، می خواند و به خانه می آمد و افطار می کرد و به مسجد بر می گشت به

همان نحو نماز عشا را خوانده و مردم جمع می شدند. اول قاری خوش صدایی با لحن قرآنی، آیاتی از قرآن را که به وعظ و تذکر و وعده و وعید قیامت مربوط بود می خواند، به طوری که قلبهای سخت را نرم و چشمهای خشک را تر می کرد. سپس دیگری به همان نحو، خطبه ای طولانی از نهج البلاغه می خواند، آن گاه سومی مصیبت های امام حسین (ع) را می خواند و آن گاه یکی از صالحین، مشغول خواندن دعا های مبارک رمضان می شد و دیگران متابعت می کردند، تا وقت خوردن سحری می شد. آن گاه هریک به منزل خود مراجعت می نمودند.» داستانهای از زندگی علماء

عبادت امام کاظم (ع)

یکی از اصحاب روایت می کند که:

امام کاظم (ع) داخل مسجد پیامبر شد و به سجده رفت و از اول شب پیوسته می فرمود: «عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ» یعنی گناه بنده ات بزرگ ولی بخشش تو زیبا تر است.

و این ذکر را مکرر تا صبح می فرمود. {منتهی الامال}

زیارت کوفه و مدینه در یکشب

علی بن خالد گوید شنیدم که شخصی به جرم ادعای پیامبری در زندان است. بوسیله ای خودم را به او رساندم تا او را ببینم. وقتی با او صحبت کردم او این جرم را انکار کرد و گفت: من مدتی در مقام رأس الحسین در شام عبادت می کردم. شبی در محراب مشغول عبادت بودم که شخصی را در مقابلم دیدم که بمن می گفت: بمن بیا!

من با او همراه شدم، ناگاه خود را در مسجد کوفه دیدم! او بمن فرمود: اینجا را می شناسی؟ گفتم: آری این مسجد کوفه است.

من واو نماز خواندیم سپس مقداری راه رفتیم، ناگاه خود را در مسجد پیامبر در مدینه دیدم. او بر پیامبر سلام کرد و نماز خواند و من هم نماز خواندم. سپس از مسجد بیرون آمدیم و مقداری راه رفتیم و دوباره خود را در شام در مقام رأس الحسین دیدم. او هم از مقابل چشمانم غایب شد.

سال بعد باز او پیدا شد و همان مکانها را با هم رفتیم. وقتی به شام برگشتیم من گفتم: تو را قسم به کسیکه این قدرت را بتو داده، شما کیستید؟ او فرمود: من محمد بن علی بن موسی الرضا هستم.

وقتی این کرامت را برای مردم تعریف کردم، مرا بجرم ادعای نبوت دستگیر و زندانی کردند.

علی گوید که من به او گفتم درباره بیگناهی تو نامه ای به وزیر می نویسم. نامه را نوشتم ولی بعد از چند روز نامه خودم برگشت خورد در حالیکه وزیر زیر آن نوشته بود که اگر ادعای آن مرد صحت دارد همان شخص با کرامت بیاید و او را آزاد کند!

من ناراحت شده و نامه را به زندان بردم تا جواب وزیر را برای آن مرد بگویم. وقتی به زندان رسیدم، دیدم که نگهبانان در حال رفت و آمد هستند. علت را رسیدم، گفتند: این مردیکه ادعای نبوت کرده بود، غیب شده و نمی دانیم مرغ شده و به هوا بالا رفته و یا بزمین فرو رفته است!

من فهمیدم که امام جواد (ع) او را رها کرده است. «ارشاد ج 2 ص 279»

حاج سید احمد کربلائی نجفی

سید در جاهای خلوت نماز می خواند و از اقتدای مردم دوری می جست و کثیر البکاء بود، بطوریکه حتی ' در نماز نمی توانست از گریه، خودداری کند و بی اختیار می گریست. بخصوص در نافله های شب.

سید علی قاضی شاگرد آن مرحوم می گوید: شبی از شبها را تنهائی در مسجد سهله می گذرانیدم. نیمه شب، شخصی آمد و در مقام ابراهیم (ع) ایستاد و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، در سجده بود. آنگاه رفتم و دیدم که او آقا سید احمد کربلائی بگاء است. (قدس الله سره القدوسی) از شدت گریه خاک سجده گاه، گل شده بود. صبح که شد، او رفت و در حجره مدرسه نشست و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید!

بحرالعلوم

عبادات و مناجات بحرالعلوم را باید از مسجد و حرم نجف و مسجد کوفه پرسید. او می کوشید، قدم در جای پای مولای متقیان بگذارد. علی وار در مسجد کوفه مناجات می کرد. صدای نجوای سینه سوز او برای دوستدارانش، شنیدنی بود. در مناجاتها بر خود می پیچید، گویا خطاب پیامبر (ص) به ابوذر را می شنید که: ای اباذر! خدا را چنان عبادت کن که او را می بینی. اگر تو او را نبینی، او تو را می بیند

آیه الله بهجت

ایشان بسیار به مسجد سهله می رفتند و شبها تا صبح بتنهائی، در آنجا بیتوته می کردند.

یکشب بسیار تاریک که چراغی هم در مسجد روشن نبود، دروســــــــــــط شب، احتیاج به تجدید وضوء پیدا کردند. برای تطهیر و وضوء بناچار می بایست از مسجد بیرون رفته و در محلّ وضو خانه که بیرون مسجد در سمت شرقی آن واقع است، وضو بگیرند. ناگاه کمی ترس در اثر عبور این مسافت در ظلمت و تنهائی، در ایشان پیدا می شود. بمجرد این ترس، ناگهان نوری همچون چراغ در پیشاپیش ایشان پدیدار می شود. آیة الله بهجت بوسیله این نور از مسجد خارج شدند و تطهیر کردند و وضوء گرفتند. سپس بجای خود برگشتند. در همه این حالات، آن نور در برابر ایشان حرکت داشتند تا وقتی که به محلّ خود رسیدند. آنوقت نور ناپدید شد

حاج سیّد احمد کربلائی نجفی
سیّد در جاهای خلوت نماز می خواند و از اقتدای مردم دوری می جست
و کثیر البکاء بود، بطوریکه حتّی ' در نماز نمی
توانست از گریه، خودداری کند و بی اختیار می گریست. بخصوص در نافله
های شب.

سیّد علی قاضی شاگرد آن مرحوم می گوید: شبی از شبها را تنهائی
در مسجد سهله می گذرانیدم. نیمه شب، شخصی آمد و در
مقام ابراهیم (ع) ایستاد و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب، در سجده
بود. آنگاه رفتم و دیدم که او آقا سیّد احمد کربلائی بگّاء است. (قدّس الله
سرّه القدّوسی) از شدّت گریه

خاک سجده گاه، گل شده بود. صبح که شد، او رفت و در حجره مدرسه نشست
و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید!

10-مسجد مرکز اشاعه علوم الهی

آیات نورانی قرآن و کلمات گهربار اهل بیت بخصوص پیامبر اعظم در محیط مسجد تبیین می گردید. همچنین دسته جات علمی در مساجد تشکیل می شد و پیامبر وقتی وارد می گردید وبه گروه دانش پژوهان می پیوست. ائمه ع، در مساجد، علوم الهی را برای اصحاب خود بیان می فرمودند.

اولین منبر برای پیامبر اعظم نصب شد وبعد از او تا کنون هزاران منبر در مساجد مسلمین نصب شده و دانشمندان و عالمان اسلامی، دستورات نجات بخش اسلام را برای مردم بر فراز این منابر تبیین می کنند و این باور هنوز در ذهن مردم است که این منبرها، منابر پیامبر اعظم است. لذا قداست منبر در میان ملت ایران تاکنون محفوظ مانده است.

بعد از انقلاب اسلامی هم می بینیم که با تربیت خطباء و سخنرانان بسیار خوب و حرف ای، در مناسبتها و وفيات و موالید ائمه ع، مردم از منبری های مشهور دعوت می کنند تا به شهر و دیار آنان رفته و آنها را به فیض برسانند.

آقای فیلیپ خلیل می نویسد: در مسجد موضوعات علمی و اجتماعی تدریس می شد. در مسجد الازهر و مسجد ابن طولون و مسجد قرویین مراکش، طب درس می دادند. در مسجد بغداد، طب، داروشناسی، مهندسی، نجوم و موضوعات دیگری تدریس می شد. طلاب سوری، ایرانی و هندی برای یادگیری این علوم بدانجا می آمدند. {تاریخ عرب}

در عصر امام صادق ع، علوم به ویژه دانشهای دینی در مساجد تدریس می شد. استاد در مسجد می نشست و دانش پژوهان گرد او حلقه می زدند. بزرگی و کوچکی جلسات درس، بستگی به توان علمی استاد داشت. امام صادق ع نیز مجلس

درسی داشت و دانش پژوهان گرد او جمع می شدند. {الامام الصادق والمذاهب

{الاربعة}

آیه نور

جابر گوید که وارد مسجد کوفه شدم و دیدم امیرالمؤمنین (ع) چیزی بر زمین می نویسد و لبخند می زند. از حضرت علت تبسم را پرسیدم. فرمود: تعجب می کنم از کسانی که این آیه را می خوانند ولی به آن معرفت ندارد. بعد آیه 25 نور را تلاوت کردند: «اللّٰهُ نور السموات والارض مثله كمشكاة فيها المصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولم يمسسه نار. نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله عليم حكيم.»

فرمود: مشکات «محمد» است. «مصباح» منم. «زجاجة الزجاجة» حسن و حسین هستند. «کأنها كوكب دري» علی بن الحسین است. «یوقد من شجرة مباركة» محمد بن علی است. «زيتونة» جعفر بن محمد است. «لا شرقية» موسی بن جعفر است. «لا غربية» علی بن موسی است. «یکأ زيتها يضيء» محمد بن علی است. «لو لم تمسه نار» علی بن محمد است. «نور على نور» حسن بن علی است. «یهدی الله لنوره من يشاء» قائم مهدی است. {تفسیر جامع ج 4 ص 494 و تفسیر برهان ج 2 ص 134}

شیخ مفید (محمد بن نعمان)

شبّی شیخ مفید در خواب دید که در مسجد کرخ بغداد نشسته است و فاطمه زهراء (س) دست امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را گرفته بود و به نزد شیخ مفید آمد و فرمود: یا شیخ! علمهما الفقه! ای شیخ! به این دو فقه بیاموز! شیخ از خواب بیدار شده و در تعجب فرو رفت که این چه خوابی بود و من کجا و درس دادن به دو امام کجا؟ و از طرفی خواب دیدن امام معصوم (ع) شیطانی نیست. چون صبح شد، به مسجدی که در خواب دیده بود

رفت و در آن جا نشس. ناگاه مادر سید رضی و سید مرتضی در حالی که خدمتکاران اطرافش را گرفته بودند آمد و به شیخ گفت: یا شیخ! علمّهما الفقه! شیخ تعبیر خوابش را فهمید و بسیار به آن دو بزرگوار احترام می نمود.

نهج البلاغه

اکثر خطبه هایی که از علی [ع] در نهج البلاغه به وسیله سید رضی [ره] جمع آوری شده و مشتمل بر دستورهای اعتقادی اخلاقی اقتصادی سیاسی و... است در مسجدایراد شده است

ابان بن تغلب

ابان بن تغلب کوفی که امام باقر (ع) به او فرمود: در مسجد بنشین و فتوا بده که من دوست دارم در میان شیعه مانند تو زیاد باشم
مباحثه کلامی

هشام گفت: شنیده بودم که عمرو بن عبید در مسجد بصره می نشیند و برای مردم صحبت می کند و این بر من گران بود. روز جمعه وارد بصره شدم و به مسجد رفتم دیدم عمرو بن عبید در مسجد نشسته است و مردم دور او را گرفته اند و از او مطالبی سؤال می کنند. جمعیت را شکافتم و نزدیک او نشستم و گفتم ای دانشمند، من غریبم، اجازه بده سؤالی را مطرح کنم! اجازه داد. گفتم آیا چشم داری؟ گفت ای پسرک این چه سؤالی است؟ گفتم سؤال من همینگونه خواهد بود. گفت: پیرس گر چه سؤال احمقانه است.

دو باره پرسیدم: چشم داری؟

-آری.

-به وسیله‌ی آن چه می‌بینی؟

-رنگها و شکلها را.

-آیا بینی داری؟

-آری.

-با آن چه می‌کنی؟

-بوها را استشمام می‌کنم.

-دهان داری؟

-آری.

-با آن چه می‌کنی

-طعم غذاها را می‌چشم

-آیا (مغز و مرکز احساس) هم داری؟

-دارم.

-با آن چه می‌کنی؟

-با آن هر چه بر جوارح من وارد شود، تمیز و تشخیص می‌دهم.

-آیا این جوارح، تو را از این مرکز احساس بی‌نیاز نمی‌کنند؟

-نه!

-چطور؟ در صورتیکه همه‌ی اعضا و جوارح تو صحیح و سالم هستند!

-هر گاه این جوارح در چیزی شک کنند به (مغز و مرکز احساس) رجوع می‌کنند تا شک آنان بر طرف و یقین حاصل شود.

-پس خدا (مغز و مرکز احساس) را برای زدودن شک این جوارح قرار داده است؟

-آری.

-پس حتما به (مغز و مرکز احساس) نیاز داریم؟

-آری.

هشام می‌گوید گفتم: خداوند جوارح تو را بدون امامی که درست را از نادرست تشخیص دهد و نگذاشته است، اما همه‌ی این خلق را در حیرت و شک و اختلاف بدون امامی که در هنگام اختلاف و شک به او رجوع کنند و گذاشته است؟!!!

عمرو بن عبید ساکت شد و چیزی نگفت سپس به من رو کرد... و پرسید:

اهل کجائی؟ گفتم: اهل کوفه.

گفت: تو هشام هستی. و مرا پیش خود برد و در جای خود نشانید و دیگر صحبتی نکرد تا من برخاستم.

امام صادق علیه السلام تبسم کرد و فرمود: چه کسی به تو این استدلال را یاد داد؟

هشام گفت: ای پسر رسول خدا (ص)، همینطور بر زبانم جاری شد.

امام فرمود: ای هشام! به خدا سوگند این استدلال در صحف ابراهیم و موسی نوشته شده است. {رجال کشی ص 271-273-اصول کافی ج 1 ص 196}

سخنرانی امام جواد در مسجد

«روزی امام جواد(ع) در ابتدای امامت خود، به مسجد مدینه رفت و بر بالاترین پله آن نشست و فرمود: من محمد بن علی الرضا هستم. من جواد هستم. من عالم به نسب های مردم در پشت پدرانشان هستم. من اسرار و ظواهر شما را می دانم. من به آنچه بسوی آن می روید، عالم هستم. علمی که قبل از خلقت خلق بوده و بعد از فناء آسمانها و زمین ها بوده است... سپس دست بر دهان خود گذاشت و فرمود: ای محمد! همانطور که پدرانت سکوت اختیار کردند، تو هم ساکت باش.»

غیر از ائمه علیهم السلام، صدها صحابه دست پرورده ائمه ع و هزاران عالمی که در دوران غیبت کبری، ظهور نمودند از مساجد بعنوان مرکز اشاعه علوم آل محمد استفاده بسیار مناسبی نمودند و توانستند اسلام و شیعه را حفظ کنند و جایگاه اهل بیت را به دنیا بشناسانند و زمینه پیروزی انقلاب عظیم اسلامی را فراهم نمایند.

11- مسجد محل کمک به مستمندان

یکی از مراکز کمک به مستمندان، مساجد بوده اند. چه زمانی که اصحاب صفه در کنار مسجد پیامبر زندگی می کردند و تنها پناهگاه آنها مسجد و کمکهای پیامبر

بود. وچه در طول زمان، عالمانی که در مسجد برای نیازمندان، کمک جمع آوری می نمودند. و خوشبختانه این بعد مسجد، تاکنون حفظ شده است. و فقرا هم همیشه به مسجد بعنوان محل امیدواری خود نگاه می نموده اند و از مسجد ناامید نبوده اند. از برکت مساجد، هزاران خانه برای مستمندان ساخته شد. افراد زیادی از فقر نجات یافتند و از طرفی توفیقی شد برای ثروتمندان که قسمتی از ثروت خود را در جای درستی هزینه نمایند.

شیخ جعفر نجفی (کاشف الغطاء)

کاشف الغطاء به هر کجا مسافرت می کرد مخصوصاً اصفهان، قرارش این بود که چون وقت نماز نزدیک مسجدی می رسید، نماز اول را خود بجماعت می خواند و در نماز دوم، پیش نماز مسجد را مقدم می داشت و به او اقتداء می کرد. همچنین روش او این بود که: در میان صفوف نماز جماعت، دامن لباس خود را می گرفت و از مردم برای فقراء پول می گرفت و به آنها می داد.

سعد مستمند

امام باقر (ع) فرمود مردی از پیروان رسول خدا (ص) بنام سعد، بسیار مستمند بود و جزو اصحاب صفه محسوب می شد. - صفه جایی در مسجد برای مستمندان بود - تمام نمازهای شبانه روزی را پشت سر رسول خدا (ص) می خواند. حضرت از تنگدستی سعد ناراحت و متأثر بود. روزی حضرت به سعد وعده داد تا اگر پولی بدستم آمد تو را بی نیاز می کنم. مدتی گذشت و پولی نصیب حضرت نشد. لذا تأثیر حضرت بیشتر شد. در این هنگام جبرئیل نازل شد و دودرهم آورد و به رسول خدا (ص) داد و گفت خداوند می فرماید ما از اندوه تو بخاطر تنگدستی سعد آگاهیم. اگر می خواهی از این

حال خارج شود دودرهم را به او بده و بگو خرید و فروش کند. رسول خدا(ص) دودرهم را گرفت. وقتی برای نماز ظهر از منزل خارج شد، سعد را مشاهده فرمود که در یکی از اطاقها منتظر ایستاده است. فرمود می‌توانی تجارت کنی؟ عرض کرد سوگند بخدا که سرمایه ندارم. حضرت دودرهم را به او داده فرمود با همین سرمایه خرید و فروش کن.

سعد پول را گرفت و برای انجام فریضه در خدمت حضرت به مسجد رفت و نماز ظهر و عصر را با حضرت خواند. پس از نماز حضرت به او گفت که بدنبال روزی حرکت کن.

سعد بیرون شد و شروع به معامله نمود. خداوند برکتی به او داد که هرچه را به یک درهم می‌خرید، دو درهم می‌فروخت. معاملات او همیشه سودش برابر اصل سرمایه بود. کم‌کم وضع مالی او ترقی نمود بطوری که کنار مسجد مغازه‌ای باز کرد و اموال و کالاها را آنجا عرضه می‌نمود. رفته رفته اشتغالات تجارتي او زیاد شد تا بجائی که وقتی بلال اذان می‌گفت و حضرت برای نماز بیرون می‌آمد، سعد را مشاهده می‌فرمود که هنوز خود را برای نماز آماده نکرده و وضو نگرفته با اینکه قبل از این جریان پیش از اذان مهیای نماز بود.

رسول خدا(ص) می‌فرمود ای سعد! دنیا تو را مشغول کرده و از نماز باز داشته است. سعد می‌گفت چه کنم؟ اموال خود را رها کنم تا ضایع شود؟ به این شخص جنس داده‌ام و منتظرم که پولش را بدهد و این شخص هم پول داده و از من جنس می‌خواهد.

رسول خدا(ص) از مشاهده مشغول شدن سعد به زیاد کردن ثروت و بازماندنش از عبادت، افسرده شد بیشتر از موقعی که در موقع تنگدستی‌اش متأثر بود. روزی جبرئیل نازل شد و عرض کرد خداوند می‌فرماید از افسردگی تو اطلاع

یافتیم اینک کدام حال را برای سعد می‌پسندی؟ وضع قبلی را یا اشتغال فعلی او به دنیا و ثروت طلبی؟ فرمود همان تنگدستی سابقش را بهتر می‌خواهم زیرا دنیای فعلی او آخرتش را بر باد داده است. جبرئیل گفت آری علاقه به دنیا و ثروت انسان را از یاد آخرت غافل می‌کند. اگر باز گشت حال گذشته او را می‌خواهی دودرهمی که به او دادی پس بگیر. حضرت نزد سعد رفت و فرمود دودرهمی که بتو دادیم بر نمی‌گردانی؟ گقا اگر دویست درهم هم بخواهی می‌دهم. فرمود نه همان دودرهم را بده. سعد پول را داد. چیزی نگذشت که دنیا بر او مخالف شد و وضعش مثل قبل گردید

بخشش سید در مسجد

آخوند ملا علی اکبر خوانساری می‌گوید: روزی وارد کتابخانه حجة الاسلام شفتی شدم و دیدم سکه‌های طلای زیادی در مقابلش ریخته بطوری که از پشت آنها سید شفتی دیده نمی‌شد. سپس سید فقرا و سادات را خبر نمود و به هر کسی مشتتی از آن سکه‌ها می‌داد. همچنین در روز عید غدیر به مسجد رفته و بالای منبر نشسته بود و در اطرافش کیسه‌های پول نقد گذاشته و حکم کرد که فقرا بیایند و به هر یک، یک مشت از طلا می‌داد و در عرض یک ساعت آن پول‌ها تمام شد.

12- مسجد محل کتاب و کتابخانه

باتوجه به جنبه تعلیم و تربیتی مسجد و ارتباط تعلیم با کتاب، در طول تاریخ اسلام، در تعدادی از مساجد، کتابخانه‌هایی احداث گردید مخصوصاً در پنج قرن که تمدن اسلامی ظهور داشت از مساجد بعنوان کتابخانه هم استفاده می گردید.

آقای فیلیپ خلیل در کتاب تاریخ عرب می نویسد:

مسجد کتابخانه نیز بود و کتابخانه‌های مسجد از هدیه‌های مردم مخصوصاً از کتب افراد ثروتمند پر بود. خطیب بغدادی مورخ معروف کتابهای خود را بر مسلمانان وقف کرد.

بعضی از مردم معتبر و توانگر، کتابخانه‌هایی بنیاد کرده بودند، که تقریباً عمومی بود و کتابهای منطق فلسفه، هیئت و علوم دیگر داشت. دانشوران صاحب شأن برای دستیابی به کتابخانه‌های خصوصی به اشکالی بر نمی خوردند.

باتوجه به اینکه ملت ایران با هدایت رهبر انقلاب اسلامی تصمیم دارند تا تمدن اسلامی را مجدداً احیاء کنند، لذا ضروری است که مسئله وجود کتابخانه‌های غنی در مساجد در صدر برنامه‌های احیاء تمدن اسلامی و چشم انداز بیست ساله کشورمان قرار گیرد.

13- مسجد مرکز امر بمعروف ونهی از منکر

مسجد همواره بعنوان مرکز امر بمعروف ونهی از منکر بوده چه در زمان حکومت پیامبر اعظم ص و امیرمؤمنان ع و چه در زمان حاکمیت علویین در قسمتی از سرزمینهای اسلامی و چه قبل از انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی.

روش مناسب برای نهی از منکر

در نزدیکی منزل ایشان در خیابان امیرکبیر دکتري بود به نام ایوب که برای دخترانش معلم موسیقی آورده بود و صدای موسیقی بلند بود به گونه‌ای که از صدای آنها همسایه‌ها ناراحت بودند. ایشان برای دکترپیغام فرستاد و از او خواست که از این کار دست بردارد اما دکتر جواب داده بود که من این کار را ترک نمی‌کنم و شما هر اقدامی که می‌خواهید بکنید.

مرحوم آیت الله شاه آبادی تا روز جمعه صبر کردند و آن گاه در جلسه روز جمعه که در مسجد شاه سابق تشکیل شده بود به مردم گفتند:

((خوب است از این به بعد هرکس از این خیابان عبور می‌کند چون به مطب این دکتر رسید داخل مطب شده و سلام کند و آن گاه با خوشرویی از او بخواهد که آن عمل خلاف خود را ترک کند.))

از آن پس، هرکس از جلو مطب عبور می‌کرد، برای انجام وظیفه شرعی خود داخل مطب می‌شد و سلام می‌کرد و موضوع را با زبان خوش در میان می‌گذاشت و خارج می‌شد.

چندین روز به این منوال گذشت و دکتر هر روز با صدها مراجعه‌کننده مواجه می‌شد که همگی یک مطلب را به او تذکر می‌دادند! وی دید اگر بخواهد به لجاجت خود ادامه دهد، نه تنها باید مطب خود را تعطیل کند، بلکه مجبور است از آن خیابان هم کوچ کند از این رو دست‌از ایجاد مزاحمت برداشته جلسه آموزش موسیقی دخترانش را تعطیل کرد.

در یکی از روزهایی که ایشان به طرف مسجد در حرکت بود، دکترایوب را دید که به طرف او می‌آید. وقتی نزدیک شد دکتر از شدت خنده نمی‌توانست سلام کند و بالاخره پس از سلام و احوالپرسی گفت: آقای شاه آبادی با قدرت ملت کار را تمام کردی و من گمان می‌کردم شما

به مراجع قانونی و محاکم قضایی مراجعه می‌کنید که من به سادگی می‌توانستم جواب آنها را بدهم و هرگز درباره این روش مردمی نیاندیشیده بود.

شهید آیه الله سعیدی

ایشان در پایگاه مسجد موسی بن جعفر (ع) تهران، جوانان و نوجوانان را -قبل از انقلاب- برای امر بمعروف و نهی از منکر بسیج می‌کرد. برنامه او در این امر الهی، به اینصورت بود که هر نوجوان و جوان در طول روز و یا طول هفته، مواردی را که به امر بمعروف و نهی از منکر می‌پرداخت، بر صفحه کاغذ می‌نوشت و نزد سعیدی می‌برد تا ضمن رهنمودهای لازم، بیلان کار خود را تقدیم او نماید.

بر روی کاغذهایی که نوجوانان بر آن تلاش خود را در اجراء فرامین الهی، نقشی بسته بود، گاهی این جملات به چشم می‌خورد: «به راننده گفتم موسیقی را خاموش کن» «به فلان پسری که فلان حرف زشت را بر زبان می‌آورد، گفتم نگو» «فلان عکس زشت و زننده را پاره کردم» و... سعیدی نیز در بسیاری از موارد، ضمن تقدیر از این نوجوانان و جوانان، به آنان جایزه می‌داد. {داستانهایی از زندگی علماء}

14- مسجد کانون وحدت و همبستگی

حضور مسلمانان از همه اقشار و اقوام و اصناف در مسجد و کنار هم نشستن، خود وحدت آفرین است.

اینکه حداقل در دو یا سه وعده شبانه روز، مسلمانان در هزاران مسجد حاضر می شوند و همه باهم به طرف یک قبله وبصورت یکپارچه نماز می خوانند، یقیناً جلوه زیبایی از وحدت است.

مخصوصاً در نماز جمعه، این وحدت بیشتر احساس می شود.

در نماز جمعه در کشورمان از همه اقشار و همه مشاغل در یک مجمع که معمولاً مساجد یا گاهی مصلی ها هستند، جمع می شوند و به بیانات خطیب گوش می دهند و در کنار هم نماز بجا می آورند و بعد از نماز با هم دست می دهند و گاه در نماز جمعه شعارهایی داده می شود با اینکه بعضی با هم در خارج از نماز جمعه اختلاف سلیقه سیاسی دارند و یکی چپ است و دیگری راست و... ولی در مسائل اصولی نظام با هم یکنظر دارند. همه با هم مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل می گویند. همه با هم مرگ بر ضد ولایت فقیه می گویند و با رهبر عزیز انقلاب و ولی امر مسلمین ، عهد مجدد می بندند.

مارسل بوازار در کتاب {اسلام در جهان امروز} می نویسد: {مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است.}

یکی از مراکز مهم افشاء توطئه های دشمنان اسلام در مورد تفرقه مذهبی و قومی و سیاسی، مساجد می باشند که مسلمانان را از نیت های شوم دشمنان وحدت، باخبر می سازند.

15- مساجد بهترین پناهگاه جوانان

جوانی سن خطر است. سن هجوم جنود ابلیس برای انحراف جوانان مسلمان است. هم انحراف اخلاقی و هم انحراف عقیدتی.

جوان در اوقات فراغتش کجابرود تا از هجوم ابلیسیان در امان باشد؟ پارتی های دوستانه؟ تفریحات پرخطر؟ سرکچه ها؟ پرسه زدن در بازارها و پاساژها؟ رفتن به کلوپ ها؟ در حالی که همه اینها از مصادیق لهو و لعب است.

اما حضور در مساجد البته بشرط اینکه مساجد هم جوابگوی نیازهای جوانان باشند، می تواند هم سرگرمی باشد هم اطمینان برای خود و خانواده که در جای مناسبی بسر می برد.

با حضور جوانان در مسجد، می توان گفت که جوان مصونیت فوق العاده ای در مقابل انواع خطر ها پیدا کرده است.

آما زندانیان نشان از حقیقت مذکور دارد که بین اهل مسجد نبودن با زندانی بودن ارتباط عجیبی برقرار است. همچنین بین اهل مسجد بودن با زندانی نبودن هم ارتباط عجیبی وجود دارد.

ما می توانیم این قول را به همه جوانانی که می خواهند بدون انحرافی در زندگی به مقصد برسند، بدهیم که با حضور در اوقات مختلف شبانه روز در مساجد دارای شرایط مناسب، شما به آرزوی خود می رسید بلکه به کمالاتی دست پیدا می کنید که این کمالات در جای دیگری پیدا نمی شود.

با حضور در مساجد از خطر اعتیاد فاصله می گیرید.

با حضور در مساجد از خطر انحرافات اخلاقی تا حد بالائی دور می شوید.

با حضور در مساجد از خطر انحرافات عقیدتی چون صوفی گری، شیطان پرستی، عرفان های قلابی مصون می شوید.

با حضور در مساجد از انحرافات سیاسی و افتادن در مسیر اهداف دنیوی گروه های سیاسی مسئله دار در امان می مانید.

با حضور در مساجد ،دوستان سالمی بدست می آورید.
 با حضور در مساجد ،دین شناس می شوید.
 با حضور در مساجد ،با مسائل روز جهان اسلام بیشتر آشنا می گردید.
 با حضور در مساجد ،در کمک به نیازمندان می توانید سهیم شوید.
 با حضور در مساجد ،در حفظ انقلاب اسلامی بوسیله پایگاههای مقاومت بسیج
 ،شریک می شوید.
 با حضور در مساجد ،در کارهای فرهنگی کانون های مساجد سهیم می شوید.
 با حضور در مساجد ،عنایت ویژه خدا را متوجه خود می کنید.
 با حضور در مساجد ،خوبان شهر و دیار یا محله خود را از بدان تشخیص می دهید.
 با حضور در مساجد ،با عالمان ارتباط معرفتی پیدا می نمائید.
 با حضور در مساجد ،ثوابهای زیادی برای عالم آخرت ذخیره می نمائید.
 با حضور در مساجد ،به فضائل اخلاقی می توانید دست پیدا می کنید.
 با حضور در مساجد ،خود را مشمول استغفار ملائکه الهی که برای رندگان به
 مسجد ،طلب آمرزش می کنند،قرار دهید.
 با حضور در مساجد ،گناهان خود را پاک نمائید و در پیشگاه الهی جزو توبه کنندگان
 قرار گیرید.
 خلاصه اگر جوانان ایران اسلامی با روحانی و مسجد ارتباط داشته باشند،از بسیاری
 از انحرافات در امان می مانند.و عده کمی از آنها گول سازمانهایی چون سازمان
 جهنمی منافقین را نمی خورند تا عاقبت به جنگ مردم خویش بیایند و رسوایی در دنیا
 و آخرت برای خود بخرند
 مسجد سنگر اسلام است.مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت
 آنان است.اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی شوند یا افرادی
 که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نماز گزاران

کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی کنند و خداوند هم طبق وعده هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می کند:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج 39

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

{پیشنهاد می شود دستگاه قضائی کشورمان در برخورد با مجرمین علاوه بر برخورد قانونی و صدور محکومیت های جزائی، مسئله تربیت فرهنگی را هم لحاظ نمود که پیشنهاد می شود از روش های جایگزین هم استفاده نموده و مثلاً مجرمین را محکوم به حضور در نماز جماعت در مسجدی بمدت چند روز بنمایند.

16- مسجد محل حکومت حضرت مهدی عج

در روایت آمده که امام صادق ع به مفضل فرمود خانه ملک آن حضرت کوفه و مجلس حکم و فرمانروایی او مسجد جامع و بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمین مسجد سهله و محل خلوت های آن حضرت، سرزمین صاف و مسطح و سفید نجف است {آیا بیاد امام زمان هستید؟}

امیرالمؤمنین (علیه السلام) با اشاره به قیام حضرت مهدی (عج) می فرماید: کَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ؛ (5) گویا شیعیان ما اهل بیت (علیه السلام) را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده اند و خیمه هایی برافراشته اند و در آن ها قرآن را آن چنان که نازل شده

است، به مردم یاد می دهند { هج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، خ 138، ج 3، ص 424، مرکز نشر آثار فیض الاسلام }

نماز جمعه حضرت در مسجدی در پشت کوفه که هزار درب دارد برگزار شده با

این وجود عده ای موفق به ورود به مسجد و حضور در نماز جمعه نمیشوند

عن أبي عبد الله (عليه السلام): (ان قائمنا إذا قام اشرفت الأرض بنور ربها واستغنى

العباد من ضوء الشمس، ويعمر الرجل في ملكه حتى يولد له ألف ذكر لا يولد فيهم

انثى، ويبني في ظهر الكوفة مسجدا له ألف باب، ويتصل بيوت الكوفة بنهر كربلاء

وبالحيرة حتى يخرج الرجل يوم الجمعة على بغلة سوفاء يريد الجمعة فلا يدركها).

(بحار الأنوار: ج 52 ص 330 ب 27 ح 52، وص 337 ح 77)

17- مسجد محل تلاوت و تعلیم و تعلم قرآن کریم

بهترین محل برای تلاوت کتاب خدا یا تعلیم و تدریس کتاب خدا، خانه خدا است.

پیامبر خدا فرمود: هرگاه عده ای در مسجد جمع شده و کتاب خدا را تلاوت و یا

تدریس بکنند، آرامش الهی بر آنها نازل شده و رحمت الهی آنان را فرا می گیرد

و خداوند از آنان در نزد فرشتگانش با عظمت یاد می کند. {مستدرک ج 3 ص 363}

و فرمود: هر سخنی در مسجد لغو است مگر تلاوت قرآن یا ذکر خدا و یا در امور خیر سؤال نمودن. {بحار ج 77 ص 88}

بحمدالله ملتهای مسلمان بخصوص مردم ایران معمولا در مساجد شهر و دیارشان برنامه تلاوت و آموزش قرآن کریم را دارند مخصوصا بعد از انقلاب که هزاران قاری و حافظ و معلم قرآن تربیت شده و در اشاعه فرهنگ قرآن، مشغول به فعالیت هستند.

18- مسجد محل دعا و نیایش

اگر چه در همه جا می توان دعا کرد و با خدا مناجات نمود. ولی مناجات و دعا در مسجد، جایگاه خاصی دارد زیرا در خانه پروردگار بودن و میزبان را صدا زدن، باعث تقرب بیشتر به خدا می گردد.

دعای کمیل

در کتاب عارف کامل از قول فرزند آیه الله شاه آبادی آمده است: از خاطره های خوبی که دارم، دعای کمیل شبهای جمعه مرحوم شاه آبادی بود که واقعا برنامه فوق العاده ای بود. هر هفته شبهای جمعه حدود 2 ساعت به اذان صبح مانده به مسجد تشریف می آورند و بعد از اینکه یک قلیان می کشیدند، مراسم دعای کمیل را شروع می کردند و در حالی که تمام چراغهای مسجد خاموش بود، دعای کمیل را از حفظ می خواندند و من به خاطر دارم که یک دفعه برای اینکه در این مراسم شرکت کنم، شب را در همان شبستان مسجد جامع با چند تن از دوستان خوابیدیم و دو ساعت به اذان صبح بیدار شدیم. زمستان بسیار سردی هم بود و برف سنگینی هم آمده بود و وضو گرفتیم و در برنامه دعای کمیل شرکت کردیم.

خوب به خاطر هست وقتی ایشان در اواخر این دعا، آیات عذاب را می خواندند، تمام مردم با صدای بلند گریه می کردند و ضجه می زدند و صدای آنها تا ((چهار سو بزرگ)) می آمد.

19- ازدواج و مسجد

مسجد محل مناسبی برای ایراد خطبه عقد ازدواج جوانان مسلمان است. بغیر از مانعی بنام عذر بعضی از نسوان که شاید در مساجدی که قسمتی از مسجد بعنوان حسینیه یا دارالقرآن یا غیره معین نشده ایجاد اشکال نماید در اکثر مراسمات ازدواج می توان همچون ازدواج دختر پیامبر، بجای تالارها و هتل ها و مکانهای هزینه آور، از مسجد استفاده نمود که حضور در مسجد جلو خیلی از گناهانی که در بعضی از عروسیها صورت می پذیرد را گرفت.

که در روایت است که عقد زهرا س و علی ع در مسجد برگزار شد. و این درسی برای مسلمانان است که برای حفظ جایگاه ازدواج، آن را در مساجد بصورت ساده و به دور از گناه برگزار نمایند.

20- مساجد مهم و تاریخی جهان اسلام

اولین بنای روی زمین

اولین مسجدی که در روی زمین ساخته شده کعبه است و اولین مسجدی که پیامبر ساخت که اولین اقدام پیامبر اعظم در بدو ورود به مدینه بود، ساخت مسجد قبا بوده است. پیامبر روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول وارد محله ای در اطراف مدینه بنام «قبا» شد و در آنجا اولین مسجد را بنا نمود.»

مسجد قبا است که بنا شده بر پرهیزکاری از روز اوّل و روایت شده که هر که برود به آن مسجد و دو رکعت نماز در آن گذارد برگردد با ثواب عُمَره پس برو به این مسجد شریف و دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آور و بخوان تسبیح زهراء س را

منطقه قبا در فاصله شش کیلومتری جنوب مسجد النبی قرار دارد و از نقاط خوش آب و هوا و از جمله مناطق زراعی و پر آب اطراف مدینه به شمار می آید. به همین دلیل نخلستانهای زیادی در قبا وجود داشته و دارد. این منطقه به دلیل واقع شدن در جنوب شهر، اولین محلی بود که از رسول خدا-ص- استقبال کرد. آن حضرت پس از رسیدن به قبا، چند روزی را در آنجا بسر بردند تا آن که امیر مؤمنان، علی-ع-و برخی دیگر از اعضای خانواده اش به ایشان پیوستند، آنگاه همگی راهی یثرب شدند.

در چهار روزی که رسول خدا-ص- در قبا بود، مسجدی در این ناحیه بنا فرمود که طی آن تنها دیواری از سنگهای حره بر گرد آن کشیده شد. البته تا زمان توسعه ولید مسجد سقف نداشت یا اگر هم داشت از همان شاخه های خرما بود.

بنا به نقل روایات بسیار، مسجد قبا مصداق آیه «لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه»⁽¹⁾ می باشد. این آیه اشاره به این نکته که این مسجد از روز نخست بر پایه تقوا ساخته شده و لذا سزاوار است تا رسول خدا-ص- نه در مسجد ضرار در این مسجد نماز بگذارد. به دلیل نزول همین آیه در شان مسجد قبا، در آن زمان مسجد قبا را به نام «مسجد التقوی» می شناختند.⁽²⁾ این آیه در برابر مسجد ضرار ساخته شده که آن هم در قبا بوده و اساس آن بر پایه نفاق ساخته شد.

همچنین نقل شده است که آیه «فیه رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین»⁽³⁾ توبه: 108 در شان نماز گزاران مسجد قبا نازل شده است.

بدین ترتیب، مسجد قبا نخستین مسجدی است که رسول خدا-ص- آن را بنا کرده است. آن حضرت درباره نماز خواندن در مسجد قبا فرمود:

«من تطهر فی بیده ثم اتی مسجد قباء فصلی فیہ رکعتین کان کاجر عمره». تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 41⁴¹ «کسی که خود را در خانه اش تطهیر کند، آنگاه به مسجد قبا در آید و دو رکعت نماز بخواند، ثواب یک عمره را برده است.»

ساخته شدن مسجد النبی

شریف ترین مسجد پس از مسجد الحرام، مسجد النبی در مدینه منوره است. رسول خدا-ص- درباره نماز خواندن در این مسجد فرمود:

«صلوة فی مسجدی هذا خیر من الف صلوۀ فیما سواه من المساجد الا المسجد الحرام.»

«یک نماز در مسجد من بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است، مگر در مسجد الحرام.»

روضه شریفه

قسمتی از مسجد النبی که در ناحیه جنوب (رو به سمت قبله) شرقی قرار دارد، به نام روضه مطهره و روضه شریفه شناخته می شود. این قسمت فضیلت زیادی دارد؛ چرا که در حدیث رسول خدا-ص- به عنوان روضه ای بهشتی معرفی شده است: «ما بین بیتی [قبری] و منبری روضه من ریاض الجنه». این حدیث مورد اتفاق فریقین است. همچنین، به اتفاق روایات اهل بیت-ع-، این روضه شامل خانه حضرت فاطمه-

س-نیز می‌شود. مساحت روضه شریفه 22 متر طول و 15 متر عرض دارد که مجموعاً 330 متر مربع می‌شود.

در محدوده روضه مطهره، سه مکان مقدس وجود دارد: مرقد مطهر پیامبر، منبر و محراب، که به ترتیب درباره آنها سخن می‌گوییم:

مرقد مطهر رسول خدا-ص-

یکی از بهترین نقاط مسجد، مدفن رسول خدا-ص- است؛ پیامبری که محبوب خدا و خلق بوده و میراث گرانبهای اسلام، حاصل تلاش بیست و سه ساله اوست. در کناره شرقی مسجد، حجره‌هایی برای زندگی همسران رسول خدا-ص- ساخته شد که تا قریب نود سال پس از رحلت آن حضرت نیز سرپا بود. ابتدا حجره‌ای برای سوده، پس از آن عایشه و در امتداد آن، حجره‌ای برای حضرت فاطمه-س- ساخته شد. مورخان نوشته‌اند که رسول خدا-ص- در حجره‌ای که وفات یافت، مدفون شد. طبق آنچه اهل سنت روایت کرده‌اند رسول خدا-ص- در حجره عایشه بوده است. احتمال دیگر نیز آن است که حجره‌ای در میان حجره عایشه و حجره حضرت فاطمه-س- بوده که آن حضرت برای استراحت در آنجا بسر می‌برده و اختصاص به هیچ یک از همسرانش نداشته است. رسول خدا-ص- در آنجا بستری بود و در همان جا وفات یافت. پس از رسول خدا-ص- این حجره دو نیمه شد، نیمی در برگیرنده قبر رسول خدا-ص- و نیمی دیگر در اختیار عایشه بوده است.

نماز در مسجدالنبی

آنجا آنچه خواهی و نماز بسیار کن در مسجد پیغمبر ص پس بدرستی که نماز در آن
معادل با هزار نماز است و هرگاه داخل مسجد می شوی یا بیرون می روی صلوات
بفرست بر آن حضرت

مسجد خیف

مسجد خیف، مهمترین مساجد منا به شمار می رود. درباره محل و فلسفه پیدایش
آن، روایت جالب توجهی وجود دارد. می دانیم که در سال پنجم هجرت، مشرکان مکه
به تحریک یهودیان، پیمان اتحادی را با برخی از قبایل عرب امضا کردند تا به مدینه
حمله کنند و ریشه اسلام را از اساس بر کنند. محلی که آنان برای امضای این پیمان
انتخاب کردند، جایی بود که بعدها مسجد خیف در آنجا بنا گردید. این بدان معنا
است که در محلی که مشرکان پیمان ضد اسلام بستند، مسجدی بنا شد که تا ابد
شکست اتحاد قریش با قبایل عرب را فریاد کند.

خیف به محلی گویند که در آنجا از شدت کوهستانی بودن منطقه کاسته شده اما
هنوز به صورت دشت در نیامده است. چنین منطقه ای در دامنه کوه صفایح قرار
گرفته و مسجد نیز در همین ناحیه ساخته شده است.

مسجد خیف شاهد خطبه مهم رسول خدا ص - در حجة الوداع بوده که در روایات
متن آن خطبه نقل شده است. به علاوه در روایات پیشوایان معصوم - علیهم السلام -
آمده است کسی که در منا است، تا می تواند نمازهایش را در مسجد خیف
بخواند؛ چرا که در آن هفتاد پیامبر ص - نماز خوانده اند. در نقلی هم آمده است که
مسجد خیف مدفن آدم ع - است.

مسجد شریف براثا

شیخ عباس قمی می نویسد: مسجد براثا از مساجد معروفه متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و کاظمین در راه زوَّار و غالباً از فیض آن محروم واعتنائی به آن ندارند با همه فضایل و شرافتی که برای او نقل شده حموی که از مورّخین سنه ششصد است در معجم البلدان گفته براثا محله‌ای بود در طرف بغداد در قبله کرخ و جنوبی باب محول و برای آن مسجد جامعی بوده که شیعیان در آن نماز می گذاشتند و خراب شده و گفته که قبل از زمان راضی بالله خلیفه عباسی شیعیان در آن مسجد جمع می گشتند و سبّ صحابه می نمودند راضی بالله امر کرد که ناگهانی در آن مسجد ریختند و هر که را یافتند بگرفتند و حبس نمودند و مسجد را خراب کرد و با زمین هموار نمود شیعیان این خبر را به امیرالامراء بغداد بحکم ماکانی رسانیدند بحکم حکم کرد به اعاده بنا و وسعت و احکام آن و نوشت در صدر آن اسم راضی بالله را و پیوسته آن مسجد معمور و محلّ اقامه نماز بود تا بعد از سنه چهارصد و پنجاه که معطل مانده تا الان و براثا پیش از بنای بغداد قریه‌ای بوده که گمان مردم آنست که علی ع مرور کرده به آن در زمانی که به مقاتله خوارج نهروان می رفت و در جامع مذکور نماز خوانده و داخل شده در حمّامی که در آن قریه بوده و به این براثا منسوب است ابوشعیب براثی عابد و او اوّل کسی است که در براثا ساکن شد در کوخی یعنی خانه‌ای که از نی ساخته بود و عبادت خدا می کرد در آن تا آنکه گذشت به کوخ او دختری از اولاد مستوفیان کبار از ابناء روزگار که تربیت شده بود در قصرها همینکه نظرش به ابوشعیب افتاد و حال او را دید از آن حال خوشش آمد و جذبه ابوشعیب او را کشید به حدّی که اسیر او گردید لاجرم نزد آن عابد زاهد آمد و گفت من اراده کرده‌ام که خادم تو باشم گفت تو را قبول

می‌کنم به شرط اینکه از این زیّ و هیئت مجرد شوی آن سعادت‌مند قبول نمود و از آنچه مالک بود تجرّد اختیار کرد و متلبّس شد به لباس نُسّاک ابوشعیب او را تزویج نمود همینکه آن دختر داخل کوخ شد قطعاً حصیری دید که ابوشعیب برای حفظ از رطوبت زمین آن را در زیر بدن خود افکنده گفت من نزد تو نخواهم ماند مگر وقتی که این قطعۀ حصیر را از زیر خود دور افکنی زیرا که از تو شنیدم که می‌گفتی زمین می‌گوید «يَا بَنَ آدَمَ تَجْعَلُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ حَجًّا أَبَا وَأَنْتَ غَدَاً فِي بَطْنِي» یعنی ای پسر آدم مابین من و خود حجاب قرار می‌دهی و حال آنکه فردا در شکم من خواهی بود پس ابوشعیب آن حصیر را دور افکند و آن دختر چند سالی نزد او مکث نمود و با هم به نیکوتر وجهی عبادت می‌کردند تا هر دو وفات نمودند مؤلف گوید که ما در کتاب‌هدیّة الزّائرین جمله‌ای از روایات که در فضیلت این مسجد شریف است ذکر کردیم و گفتیم که از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد معلوم می‌شود که اگر هر کدام از آن در هر مسجدی باشد سزاوار است که انسان شدّ رحال نماید و طیّ منازل کند تا به فیض نماز و دعای در آن مستفیض و متبرّک شود اوّل مقرر نمودن حق تعالی که در آن زمین فرود نیاید رئیسی با لشکرش جز پیغمبر یا وصیّ او دویم آنکه خانه حضرت مریم است سیّم آنکه زمین حضرت عیسی ع است چهارم بودن چشمه در آنجا که برای مریم ظاهر شده پنجم ظاهر کردن حضرت امیرع آن چشمه را به اعجاز خود ششم بودن سنگ سفید متبرّک که مریم حضرت عیسی را بر آن گذاشته در آنجا هفتم بیرون آوردن حضرت آن سنگ را از آنجا به اعجاز و نصب نمودن آن را به سمت قبله و نماز کردن به سوی آن هشتم نماز کردن حضرت امیرالمؤمنین و دو نوباوه او حضرت مجتبی و سیّدالشّهداء: در آنجا نهم توقّف حضرت در آنجا چهار روز به جهت شرافت مکان و مقدّس بودن زمین آن دهم نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل‌الرّحمن ع در آنجا یازدهم بودن قبر پیغمبری در آنجا و شاید آن

پیغمبر حضرت یوشع باشد که شیخ مرحوم فرموده که قبرش در خارج کاظمین در قبلی مسجد براثا است دوازدهم برگشتن آفتاب برای حضرت امیرع در آنجا و با این شرافت و فضایل و بروز آیات الهیه و معجزه حیدریّه در آن.

مسجد جمعه

پیامبر ص- در ادامه مسیر از قبا به یثرب، در میان قبیله بنی سالم برای نخستین بار نماز جمعه را اقامه کرد و همین مساله سبب شد تا محل نماز خواندن رسول خدا- ص- به عنوان «مسجد الجمعه» شناخته شود. نامهای دیگر آن، «مسجد عاتکه» و «مسجد الوادی» (وادی رانونا) است. این مسجد نظیر مسجد النبی از خشت و گل ساخته شده بود و سقفی کوچک داشت

مسجد رد شمس

در کتابهای تاریخی آمده است که مسجد رد شمس با مسجد فضیخ یکی است و درباره نامگذاری آن به «رد شمس» یا «شمس» نیز آمده است که در جریان محاصره قلعه بنی نضیر، رسول خدا- ص- هنگام عصر به خواب رفت و سرش روی زانوی امیر مؤمنان، علی- ع- بود. نزدیک غروب خورشید بیدار شد و وقتی متوجه گردید که امام هنوز نماز عصر را نخوانده است از خداوند خواست خورشید را باز گرداند تا امام نماز بگذارد. این روایت را به نام «حدیث رد شمس» می شناسند و جمعی از راویان اهل سنت نیز آن را نقل کرده اند.

مسجد شجره

در مسیر خروجی مدینه به سمت مکه، که راهی از جنوب مدینه دارد، پس از حدود چند کیلومتر، به مسجد شجره یا مسجد ذو الحلیفه می‌رسیم. این مسجد، میقات کسانی است که از مدینه عازم حج می‌شوند. این مسجد در محلی واقع شده که رسول خدا -ص- هنگام رفتن به مکه در زیر درخت سمره نماز خوانده است و به همین مناسبت، آن را مسجد شجره می‌نامند. بعلاوه، رسول خدا -ص- در جریان سفر سال هشتم هجرت، که منتهی به امضای معاهده حدیبیه شد، در همین جا محرم گردید. همین طور در سال هفتم جهت عمره القضاء و نیز در سال دهم برای حجه الوداع در این مسجد احرام پوشید. طبعاً اهمیت این مکان از لحاظ دینی مسلم بوده و به دلیل استفاده دائم مردم از آن، مورد توجه بوده است.

مسجد قبلتین

مسجد قبلتین از اماکن زیارتی مدینه به دست طایفه بنو سواد بن غنم بن کعب ساخته شد و از آنجا که مربوط به مساله تغییر قبله است، باید در همان اوایل هجرت رسول خدا -ص- ساخته شده باشد. مساله تغییر قبله در پانزده شعبان سال دوم هجرت روی داد. تا پیش از آن مسلمانان به سوی بیت المقدس نماز می‌خواندند. طعنه یهودیان و دعای رسول خدا -ص- سبب شد تا خداوند ضمن آیات 142 تا 150 سوره بقره، تغییر قبله را به سوی کعبه بیان کند. در یکی از این آیات خطاب به رسول آمده است:

«نگریستنت را به اطراف آسمان می‌بینیم. تو را به سوی قبله‌ای که می‌پسندی می‌گردانیم. پس روی به جانب مسجد الحرام کن. و هر جا که باشید روی بدان جانب کنید. اهل کتاب می‌دانند که این دگرگونی به حق و از جانب پروردگارشان بوده است. و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست.»

یک نقل چنان است که حکم تغییر قبله در وسط نماز ابلاغ شد و نماز گزاران دو رکعت از نماز ظهر را به سوی بیت المقدس و دو رکعت بعدی را به سوی کعبه خواندند. درباره این نقل، البته تصور گردش در میانه نماز قدری دشوار به نظر می‌رسد گرچه ممکن است هم گردش بوده و هم حرکت. اما در این که رسول خدا-ص- در مسجد قبلتین نماز می‌خواند یا مسجد النبی، دو روایت مختلف ذکر شده است. یک روایت بیانگر این است که رسول خدا-ص- در مسجد قبلتین نماز می‌خواند و از این جهت آن را قبلتین نامیده‌اند. روایت دیگری گویای آن است که رسول خدا-ص- در مسجد خود نماز می‌خوانده و عده‌ای نیز در مسجد قبلتین بوده‌اند، در وسط نماز ظهر به آنها خبر رسید و آنها به سوی کعبه نماز خواندند.

مسجدی که هزار نبی در آن نماز خوانده
مسجد کوفه مسجدی است که هزار پیامبر در آن نماز خوانده اند.

اولین بنای کوفه

اولین ساختمانی که در شهر کوفه بنا شد مسجد شهر بود و طریقه ساختن آن بدینگونه بود که مردان جنگی در وسط شهر قرار گرفتند و تیرهای به هر سو رها کردند به طوری که تا محل فرود تیرها حریم مسجد قرار گیرد و ساختمانهای دیگر بعد از آن قرار گیرد. برای مسجد صحنی قرار دادند و برای آن سایبانی درست کردند که از سنگهای مرمر خرابه (حیره) بود، علاوه بر آن در اطراف مسجد خندقی حفر کردند تا مسجد از تجاوز بیگانگان در امان باشد، در کنار مسجد قصر زیبایی برای سعدبن وقاص بنا کردند که به کاخ سعد نامگذاری شد.

روایت شده حضرت امام زین العابدین ع وارد کوفه شد و داخل شد در مسجد آن و در مسجد بود ابو حمزه ثمالی که از زاهدین اهل کوفه و مشایخ آنجا بود پس حضرت دو رکعت نماز گذاشت ابو حمزه گفت نشنیدم لهجه ای پاکیزه تر از او نزدیکش رفتم تا بشنوم چه می گوید شنیدم می گوید «إِلْهِي إِنْكَانَ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ» و این دعائی است معروف مؤلف گوید که ذکر این دعا بعد از این در اعمال کوفه بیاید و آنکه ابو حمزه گفت که آن بزرگوار آمد نزد ستون هفتم و نعلین را کند و ایستاد و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دَهْشَت آن راست ایستاد پس چهار رکعت نماز گذارد و رکوع و سجودش را نیکو به عمل آورد پس این دعا را خواند «إِلْهِي إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ» تا آخر دعا و موافق روایت سابقه آن بزرگوار برخاست و رفت ابو حمزه گفت که من عقب او رفتم تا مناخ کوفه و آن مکانی بود که شتران را در آنجا می خوابانیدند دیدم در آنجا غلام سیاهی است و با او است شتر گزیده و ناقه گفتم با او ای سیاه این مرد کیست گفت «أَوَيْخَفِي 'عَلَيْكَ شَمَائِلُهُ» از سیما و شمایلش او را نشناختی او علی بن الحسین است ابو حمزه گفت پس خود را انداختم روی قدمهای آن حضرت بوسیدم آن را که آن جناب نگذاشت و با دست خود سر مرا بلند کرد و فرمود مکن سجود نشاید مگر برای خداوند عزوجل گفتم یا بن رسول الله برای چه اینجا آمدید فرمود که از برای آنچه که دیدی یعنی نماز در مسجد کوفه و اگر مردم بدانند که چه فضیلتی است در آن بیایند بسوی آن اگر چه به روش کودکان خود را بر زمین کشند یعنی بیایند هر چند در نهایت سختی باشد راه رفتن بر ایشان مانند اطفالی که راه نیفتاده اند نشسته حرکت می نمایند .

اما فضیلت مسجد کوفه پس زیاده از آن است که ذکر شود و بس است در شرافت آن که یکی از آن چهار مسجدی است که سزاوار است شَدْرَحُ'ال شود به سمت آنها به جهت درک فیوضات آنها و یکی از آن موطن است که مسافر مخیر است در آن مابین قصر و اتمام نماز و نماز فریضه در آن معادل حجّ مقبول و معادل هزار نماز است که در جای دیگر بجای آورده شود و در روایات وارد شده که محلّ نماز پیغمبران است و محلّ نماز حضرت مهدی صلوات الله علیه خواهد شد و در روایتی هزار پیغمبر و هزار وصیّ پیغمبر در آن نماز کرده و از بعضی روایات استفاده شود که مسجد کوفه افضل است از مسجد اقصی که در بیت المقدّس است و ابن قولویه از امام محمد باقر ع روایت کرده که فرمود اگر مردم بدانند که چه فضیلت دارد مسجد کوفه هر آینه از شهرهای دور تهیّه زاد و راحله کنند و بسوی این مسجد بیایند و فرمود که نماز واجب در آن برابر است با حج مقبول و نماز نافله برابر عمره مقبوله و به روایت دیگر نماز فریضه و نافله در آن مثل حجّ و عمره ای است که با رسول خدا ص کرده باشند شیخ کلینی و غیر او از مشایخ عظام روایت کرده اند از هارون بن خارجه که حضرت صادق ع به من فرمود ای هارون چه مقدار مسافت است بین تو و بین مسجد کوفه یک میل می شود گفتم نه فرمود بجا می آوری همه نمازهای خود را در آنجا گفتم نه فرمود اگر من نزدیک آن مسجد بودم امید داشتم که از من فوت نمی شد یک نماز در آن و هیچ می دانی که چیست فضیلت آن موضع نبوده بنده صالحی و نه پیغمبری مگر آنکه نماز گذارده در مسجد کوفه حتّی آنکه رسول خدا ص در شبی که او را به معراج می بردند جبرئیل به آن حضرت گفت می دانی که در کجائی یا رسول الله الاّن مقابل مسجد کوفه می باشی فرمود پس رخصت بطلب از پروردگار من تابروم در آن و دو رکعت نماز گذارم پس جبرئیل از حق تعالی اذن طلب کرد حق تعالی اذن مرحمت فرمود پس فرود آورد آن حضرت را و آن جناب دور رکعت نماز گذاشت در آن و بدرستی که جانب راست آن باغی است از باغهای

بهشت و میان آن باغی است از باغهای بهشت و عقب آن باغی است از باغهای بهشت و بدرستی که نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز و نافله در آن مقابلست با پانصد نماز و نشستن در آن بدون تلاوت و ذکر عبادتست و اگر مردم بدانند که چه فضیلت است در آن بیایند بسوی آن اگرچه به روش کودکان خود را بر زمین کشند و در روایت دیگر است که نماز واجب در آن مقابل حج است و نماز نافله مقابل عمره و گذشت در ذیل زیارت هفتم حضرت امیرع اشاره به فضیلت این مسجد شریف و از بعضی روایات معلوم می شود که جانب راست این مسجد افضلست از جانب چپ آن.

از حضرت صادق ع روایت است که کسی که دو رکعت نماز گذارد در مسجد کوفه بخواند در هر رکعت حمد و دو قُلْ أَعُوذُ و سوره اِخْلَاصُ و کَافِرُونَ و نَصْر و قَدْر و سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى و چون سلام دهد تسبیح زهراءس بگوید پس بطلبد از خدا هر حاجتی که بخواهد خدا حاجتش را برآورده و دعایش را مستجاب خواهد فرمود

دکه القضاء

بدانکه دگه القضاء دگانه ای بوده در مسجد که امیرالمؤمنین ع بر روی آن می نشستند و قضاوت و حکم می نمودند و در آن موضع ستون کوتاهی بوده که در آن نوشته بود آیه کریمه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَبِئْتِ الطَّيِّبَاتِ هَمَان محلّی است که ظاهر شده معجزه امیرالمؤمنین ع در باب آن دختر بی شوهری که یک وقتی در میان آب بوده که زالویی در شکمش داخل شده و کم کم از مکیدن خون بزرگ شده بود و شکم آن دختر رانیز بزرگ کرده بود

ستون های مسجد کوفه

از جمله مواضع ممتازة مسجد کوفه ستون پنجم است که باید نزد آن نماز کنند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمایند زیرا که در روایات معتبره وارد شده است که محل نماز حضرت ابراهیم خلیل الرحمن ع بوده است و منافات ندارد با روایات دیگر زیرا که ممکن است که آن حضرت در همه این مواضع نماز کرده باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق 7 منقول است که ستون پنجم مقام جبرئیل ع است و از حدیث سابق ظاهر است که مقام امام حسن ع است و بالجمله آنچه از احادیث معلوم می شود آنستکه نزد ستون هفتم و پنجم اشرفست از سایر جاهای مسجد

مسجدی که تعداد زیادی از پیامبران در آن نماز خوانده اند مسجد سهله در نزدیکی نجف مکانی است که تعداد زیادی از انبیاء و اولیاء در آن عبادت کرده و محل زندگی حضرت ادریس بوده است. در مفاتیح آمده است:

بدانکه بعد از مسجد کبیر کوفه مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه نیست و آن خانه حضرت ادریس ع و حضرت ابراهیم و محل ورود حضرت خضر ع و مسکن آن حضرت است و از حضرت صادق ع منقول است که به ابوبصیر فرمود ای ابومحمد گویا من می بینم حضرت صاحب الامر ع در مسجد سهله فرود آید با اهل و عیالش و منزل آن حضرت باشد و حق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاده است مگر آنکه در آن مسجد نماز کرده است و هر که در آن مسجد اقامت نماید چنانست که در خیمه رسول خداص اقامت نموده است و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر آنکه دلش مایلست بسوی آن مسجد و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیغمبری هست و هیچکس با نیت صادق نماز و دعائی کند در آن مسجد مگر آنکه برمی گردد با حاجت برآمده شده و هیچکس در آن مسجد امان نمی طلبد مگر آنکه

امان می‌یابد از هر چه که می‌ترسد گفتم فضیلت این است که از برای این مسجد است حضرت فرمود زیادت‌تر بگویم از برایت عرض کردم بلی فرمود که آن از جمله بقعه‌هایی است که خدا دوست می‌دارد که او را در آنها بخوانند و هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه ملائکه می‌آیند به زیارت آن مسجد و عبادت می‌کنند خدا را در آن پس فرمود که اگر من نزدیک می‌بودم به شما همه نماز را در آن مسجد می‌کردم پس فرمود که ای ابا محمد آنچه وصف نکردم از فضیلت این مسجد بیشتر از آن است که گفتم من عرض کردم فدایت شوم و حضرت قائم همیشه در آن مسجد خواهد بود فرمود بلی.

طاوس فرموده که چون اراده کردی که به مسجد سهله روی پس ما بین مغرب و عشاء در شب چهارشنبه وارد آن مسجد شو که افضل اوقات دیگر است پس همانکه وارد شدی نماز مغرب و نافله‌اش را بجا آور پس برخیز دو رکعت نماز تحیت مسجد کن قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ و چون فارغ شدی دعا‌های وارد شده را بخوان.

محمد بن خالد الطیالسی، عن العلاء بن رزین قال: قال لی أبو عبدالله علیه السلام: "نصلي في المسجد الذي عندكم الذي تسمونه مسجد السهلة، ونحن نسلمه مسجد الشری؟"

قلت: إني لأصلي فيه، جعلت فداك. قال: "أنته، فإنه لم يأت مكروب إلا فرج الله كربته - أو قال: قضى حاجته - وفيه زبرجدة فيها صورة كل نبي وكل وصي { نقله المجلسي في بحاره 100: 437 / 9 }

ترجمه: امام صادق به علاء فرمود که ما در مسجد سهله که در نزد ما به مسجد الشری معروف است نماز خواندیم. علاء گفت ما هم در آنجا نماز می‌خوانیم.

امام فرمود حتماً آنجا برو و بدان که هر که مشکلی داشته باشد در آن مسجد بوسیله خدا برطرف می شود و در آنجا سنگ جواهر زبرجدی است که صورت تمام پیامبران و جانشینان آنها در آن معلوم است.

مساجد مشهور نجف عبارتند از:

مسجد شیخ طوسی، که در کنار مقبره ایشان واقع است و همچنان محل تدریس اساتید حوزه نجف می باشد.

مسجد شیخ انصاری، مشهور به مسجد ترکها که امام خمینی قدس سره در آن به اقامه نماز جماعت و تدریس می پرداخت.

مسجد هندی، که از مساجد بزرگ و مشهور نجف و یکی از مراکز تدریس در حوزه علمیه نجف و در کنار آن کتابخانه آیه الله حکیم و آرامگاه او قرار دارد.

مسجد خضراء، از مساجد مشهور نجف است که سالها محل تدریس در حوزه علمیه نجف بشمار می رفت.

مسجد جواهری، که به علت دفن مرحوم صاحب جواهر رحمه الله در آن، بدین نام مشهور است.

مسجد جامع بصره

مسجد جامع بصره، که به «مسجد الامام علی علیه السلام» شهرت دارد و نخستین مسجد ساخته شده در عراق است. حضرت علی، امیر المؤمنین علیه السلام پس از واقعه جمل در این مسجد نماز گزارد و در باره آن پیش گویی نمود که صدها سال

بعد به وقوع پیوست و جزو غیب گوییهای آن حضرت شمرده می‌شود. امروزه از این مسجد، تنها قسمتی از گلدسته و باروی آن باقی مانده است.

مسجد امام حسن عسگری ع

از جمله اصحاب معروف امام عسگری ع، احمد بن اسحاق قمی است که مسجدی بدستور آن حضرت و بنام آن حضرت در قم درست کرد و مرقد احمد بن اسحاق در سرپل ذهاب است

دورکعت نماز در مسجد جمکران

هر که این دورکعت نماز (نماز امام زمان) را در مسجد جمکران بخواند، گویا در خانه کعبه نماز خوانده است.»

قضیه ای از پدر آیه الله فاضل لنکرانی

آیه الله فاضل لنکرانی فرمودند: (مرحوم والد به مسجد جمکران خیلی معتقد بودند) فرمودند: من قبل از آمدن آیه الله بروجردی به قم خواب دیدم که در مسجد جمکران هستم . آن موقع مسجد جمکران یک حیاطی داشت و در وسط آن حیاط یک آب انباری بود که سقف آن یک متر مرتفع تر از حیاط مسجد بود. روی همین سقف آب انبار منبری گذاشته اند و شیخ طوسی رحمه الله علیه روی آن نشسته و تمام روی آن سقف و کف حیاط مملو از طلبه است.

پدرم فرمود: تعبیرم از این خواب این بود که : شخصیتی به قم خواهد آمد
و طلاب گرداو جمع خواهند شد و حوزه رونق خواهد گرفت . طولی نکشید آه
آیه الله بروجردی به قم آمدند.

مسجدشاه اصفهان

مدرسه فلسفی قزوین در اواخر قرن دهم و مطلع قرن یازدهم هجری
آثار و شگفتیهای هندسی و فیزیکی و ریاضی عجیبی از خود در عراق و ایران
به یادگار گذاشته است که می توان از آثار این مدرسه علمی عظیم، مسجد شاه
اصفهان را نام برد که بر اساس یک محاسبه فیزیکی بنا گردیده و در نقطه
معین در وسط مسجد زیر گنبد هنگامی که صدایی سر داده شود عین صدا
هفت مرتبه بازگو می گردد و نیز بر قول معروف در محل معین که خطیب بر
روی منبر سخنرانی می کرد در تمام مسجد و حیاط آن یک نواخت صدای وی
پخش می گردید که بر اثر تعمیرات ناشیانه اثر دوم مسجد شاه اصفهان امروزه
از بین رفته است.

مسجد گوهرشاد

بنای مسجد گوهرشاد به سفارش همسر شاهرخ، گوهرشاد آغا در اواخر قرن
هشتم انجام شد.
داستانی نقل شده که جوانی عاشق گوهرشاد شد و این خانم از جمله شرایط قبول
ازدواج با جوان را ،حضور در مسجدش به مدت چهل شبانه روز دانست.جوان به

شرط عمل کرد و مدت مذکور را در مسجد بسربرد. اما بعد از این مدت، انقلابی در او پدید آمد و دست از عشق گوهرشاد کشید و بدنبال عبادت خدا و عشق به خدا رفت.

21- آداب ورود به مسجد

قال الصادق - علیه السلام :-

إذا بلغت باب المسجد، فأعلم أنك قد قصدت باب ملك عظيم لا يطأ بساطه إلا المطهرون، و لا يؤذن لمجالسته إلا الصديقون. وهب القدوم إلى بساط خدمة الملك هيبة الملك، فانك على خطر عظيم ان غفلت.

و اعلم انه قادر على ما يشاء من العدل و الفضل معك و بك، فان عطف عليك برحمته و فضله قبل منك يسير الطاعة و اجزل لك عليها ثوابا كثيرا. و ان طالبك باستحقاقه الصدق و الا خلاص عدلا بك حجبك ورد طاعتك و ان كثرت، و هو فعال لما يريد.

و اعترف بعجزك (و قصورك) و تقصيرك و فقرک بین یدیه، فانك قد توجهت للعبادة له و المؤانسة به، و اعرض اسرارک علیه و لیعلم انه لا يخفى علیه اسرار الخلائق اجمعين و علا نيتهم.

و کن کافقر عباده یدیه و اخل قلبک عن کل شاغل یحجبک عن ربک، فانه لا یقبل الا الاطهر و الاخلص. انظر من ای دیوان یخرج اسمک، فان ذقت حلاوة مناجاته و لذیذ مخاطباته و شربت بکاءس رحمته و کراماته من حسن اقباله عليك و اجابته، فقد صلحت لخدمته، فادخل فلک الاذن و الامان، و الافقف وقوف مضطر قد انقطع عنه الحیل، و قصر عنه الامل، و قضی الاجل

فاذا علم الله - عزوجل - من قلبک صدق الالتجاء الیه، نظر الیک بعین الرأفة و الرحمة و اللطف، و وفقک لما یحب و یرضی، فانه کریم یحب الکرامة لعباده المضطرين الیه، المحترقین علی بابہ لطلب مرضاته.

قال الله تعالى: ((امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء))

امام صادق (ع) فرمود:

چون به مسجد می رسی، بدان که درگاه پادشاهی عظیم را قصد کرده ای که جز پاکان، بر گستره فرش او گام ننهند و جز صدیقان به همنشینی او نایل نیایند. پس با ترس، به محضر او درآی، چنان که از

پادشاه ترسانی، چرا که اگر غافل باشی و رعایت ادب و تعظیم، نکنی در خطری عظیم خواهی افتاد.

بدان که او بر هر علمی، به عدل و فضل، قادر و تواناست. پس، چنانچه رحمت و فضل خویش بر تو معطوف فرماید، طاعت اندک تو را خواهد پذیرفت، و ثوابی بسیار عطا خواهد کرد و چنانچه با تو از در عدل در آید و استحقاق خویش را در بندگی، صدق و اخلاص خواهان شود، تو را محروم و طاعتت را رد کند، اگر چه بسیار باشد، که بر آنچه خواهد، توانا و فعال است.

در محضر او به ناتوانی، تقصیر در بندگی و فقر خویش اعتراف نما، زیرا که تو به سوی او برای عبادت و انس رو نموده‌ای و به او نیازمندی. باید بدانی که درون و باطن خلاق بر او آشکار است. در پیش او چون فقیرترین بندگان باش و قلب خویش از هر امری که تو را از قرب خدا محروم کند خالی دار، که او پاکترین و خالص‌ترین اعمال را می‌پذیرد.

بنگر که از کدام دیوان - دیوان رستگاران یا دفتر سیه بختان - نامت خارج شود، پس چنانچه شیرینی مناجات و لذت مخاطبات او را به ادراک آوری و جام رحمت و کرامتش را، به سبب روی آوردنت بدو واجابت او بنوشی، برای خدمتش، صلاحیت یافته‌ای، پس داخل شو که اذن و امان از آن تو است. و در غیر این صورت، وارد مشو و توقف کن، مانند آن کسی که راه چاره‌اش قطع گشته، و امیدش بریده شده، و اجل‌اش فرا رسیده است.

چنانچه خداوند - عزوجل - ببیند که با صداقت بدو پناه آورده‌ای بادیده راءفت و رحمت و لطف به تو خواهد نگریست و بدان چه خود دوست دارد و بدان راضی است، موفقیت می‌دارد، چه او کریم است و گرامی داشتن بندگان مضطر و سوختگان درگاهش را که خواهان خرسندی اویند، دوست می‌دارد.

خدای تعالی فرماید: ((کیست آن کسی که درمانده را (چون وی را بخواند) اجابت می‌کند، و گرفتاری را بر طرف می‌گرداند...)).

{مصباح الشریعه}

دعای رفتن به مسجد

((اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي نُورًا، وَفِي بَصَرِي نُورًا، وَمِنْ قُوَّتِي نُورًا، وَمِنْ تَحْتِي نُورًا، وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا، وَمِنْ أَمَامِي نُورًا، وَمِنْ خَلْفِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَأَعْظِمْ لِي نُورًا، اللَّهُمَّ أَعْظِنِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي عَصَبِي نُورًا، وَفِي لَحْمِي نُورًا، وَفِي دَمِي نُورًا، وَفِي شَعْرِي نُورًا وَفِي بَشَرِي نُورًا))
بخاری 116/11 روایت شماره ی 6316، و مسلم 526/1، 529، 530، شماره ی: 763.

دعای داخل شدن به مسجد

((أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ، وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ))^(۱).

به خداوند بزرگ و روی گرامی [که لایق جلالتش است] و قدرت قدیم و ازلی او پناه می برم از بدی شیطان رانده شده).

((بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةُ^(۲) [وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ]^(۳).

(به نام الله، و درود و سلام بر رسول الله ص).

((اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ))^(۴).

الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا).

« دعای خارج شدن از مسجد

((بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ، اللَّهُمَّ اغْصِنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ))^(۵).

(به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ص خدایا! از تو فضل را مسألت می نمایم،

الهی! مرا از شیطان مردود، حفاظت فرما).

(^۱) أبو داود، ونگاه: صحیح الجامع شماره ی 4591.

(^۱) أبو داود، ونگاه: صحیح الجامع شماره ی 4591.

(^۲) ابن السنی شماره ی 88، والبانی حدیث را حسن دانسته است.

(^۳) أبو داود 126/1، ونگاه: صحیح الجامع 528/1.

(^۴) مسلم 494/1. و در سنن ابن ماجه از حدیث فاطمه لجنین روایت شده است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». والبانی

بخاطر شواهدش آنرا صحیح دانسته است، نگاه: صحیح ابن ماجه 128/1 - 129.

(^۵) نگاه: تخریج روایت های حدیث قبل شماره ی 20، و زیاده ی «اللَّهُمَّ اغْصِنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». از روایت ابن ماجه. نگاه: صحیح ابن ماجه 129/1.

(^۱) ابن السنی شماره ی 88، وألبانی حدیث را حسن دانسته است.
(^۱) أبو داود 126/1، ونگا: صحیح الجامع 528/1.
(^۱) مسلم 494/1.

5- صحیح ابن ماجه 129/1

22-مسجد دریان امام راحل

«و از نقشه های مهم همین است که قشرهای ملت را از هم جداکنند و مهم این است که روحانیت را از ملت جدا کنند. اینهاضربه ای که از روحانیت خوردند از هیچ کس نخوردند برای اینکه ضربه را می گویند که دیگران هم که زدند به ما، اینها وادارشان کردند، مسجدها مردم را وادار کرد، پس باید مسجدها را ما شروع کنیم بشکنیم. اینکه می آیند مسجدها را می خواهند خلوت کنند و بیچاره جوان ها و متدینین ما هم اشتباها به خطا می روند، این است که مسجدها کم کم امسال یک قدری ماه رمضان کم تر باشد، سال دیگر یک خرده کمتر، بعد از ده سال، پانزده سال دیگر چه بشود. آنها عجله ندارند، به تدریج هر چه شد. شما باید هشیار باشید که مسجدهایتان و محراب هایتان و منبرهایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق. شمای که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این مرکز معجزه، نه رها کنید او را. شمای که از اسلام یک همچو معجزه ای دیدید که همه قدرت هارا به هم شکست، نه فقط ابر قدرت ها را، قدرت

های دیگر راهم به هم شکست، شمای که از، ملت ما که از اسلام
این معجزه را دارد نباید در اسلام سستی کند» سخنرانی بیستم تیر 59

از مسجد تا منزل و از منزل تا مسجد!

امام رضوان الله علیه می فرمود :

در طول سالیان دراز استعمارگران برنامه ای را انجام دادند و مع الاسف
انجام گرفت و ثمرات خبیث خودش را هم تحویل ملتها داد و آن این معنا که :
روحانیون باید در مساجد و در حجره ها و در زاویه ها منزوی باشند و تمام
کار آنها این است که : پیرمردانشان از منزل تا مسجد و از مسجد به منزل بروند
و کناراز جامعه و بی توجه به چیزهایی که بر جامعه می گذرد باشند و حتی
دخالت روحانیین در امور اجتماعی و سیاسی کشور یک ننگی بود و خلاف عدالت
و مقام روحانیت و وظیفه جوانهای روحانی هم خزیدن در گوشه مدارس و حجره
های مرطوب و فقط تحصیل علوم آن هم نه آن که مربوط به جامعه است و نه
آن که مربوط به سیاست جامعه حتی لباس جندی جزء چیزهایی حساب می شد
که اگر روحانی آن لباس را به تن کند از عدالت خارج می شود و دخالت در امور
سیاسی یک وضعی تعبیر شده بود که این بر خلاف روحانیت است ... این امری
بود که برای منزوی کردن و روحانیت و کشاندن آنها به گوشه های انزوا و
حجره ای مدارس و گوشه های مسجد طرح ریزی شده بود. {صحیفه نور}

شیطانها از چه می ترسند؟

امام امت [قدس سره] می فرماید :

[مسجدها را خالی نکنید... شیطانها... از مسجد می ترسند... اجتماعتان را

حفظ کنید و مساجد را محکم نگهدارید]

پیامبر در مسجد می نشست

باید کاری بکنید که محبت مردم را جلب کنید، هم رضای خدا در آن هست، هم راحتی خودتان در آن هست و هم برای کشورتان مفید است. رئیس اول اسلام (ص) هم اینطور بود که با مردم معاشرت می کرد، مثل معاشرت یک نفر آدم با یک نفر دیگر، مثل دو برادر که جایی نشسته اند. پیغمبر اکرم (ص) که رئیس اسلام بود، در مسجد می آمدند، می نشستند و رفقا و اصحابشان هم دورشان می نشستند، جلسه طوری بود که وقتی کسی از خارج می آمد، نمی شناخت که کدام یک از اینها پیغمبرند و کدام یک غیر پیغمبر، می پرسید که کدام یکی تان پیغمبر هستید، وضع اینطوری بود، اینطور با جامعه و مردم رفتار می کردند.*** (2) صحیفه نور، ج 7، ص 96***

مسجد در کلام رهبر

ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارند، پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب بیاورند. اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می خوانند و بیرون می آیند و این چه تاثیری دارد، خطاست. این طور

نیست، اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که به زبان مشرع مقدس نماز و اذان، خیر العمل و فلاح است، مایه برکات زیادی می شود. نماز یک ملت را به قیام لله وادار می کند. نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می کند.

علاوه بر آن، مسجد فقط برای نماز نیست، در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعه خیر من عبادت سنه» یا در بعضی از روایات است که «من عبادت اربعین سنه» یا «سبعین سنه» - البته فکر کردن درست - افراد مسجد برو، این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می آورند. بنابراین مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تامل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می کند. انسان در مسجد، خود را به خدا متصل می کند.

بنابراین باید قدر مساجد را دانست. باید در مساجد حضور پیدا کرد. بحمدالله مساله تنظیف و تطهیر و پاک سازی و غبارروبی و عطرافشانی مساجد - این کارهایی که این روزها انجام می گیرد - همه اینها کارهای خوبی است، که بحمدالله دارد انجام هم می گیرد و خوب است که انجام بدهید {فرازهایی از فرمایشات مقام معظم رهبری در تاریخ 1375/10/19}

در حدیث قدسی است که: خانه های من در زمین، مساجد هستند که برای اهل آسمان نور می دهد همانطور که ستارگان برای اهل زمین نور می دهند. {وسائل ج 1 ص 268}

پیامبر اعظم ص فرمود: بهترین مکان زمین، مساجد و بدترین مکانها بازارها هستند. {بحار ج 84 ص 11}

پیامبر اعظم ص فرمود: مسجد بازار آخرت است که کالایش آمرزش و هدیه اش بهشت است. {کافی ج 3 ص 489}

پیامبر اعظم ص فرمود: اگر درباره کسی که در نماز جماعت مسجد حاضر نمی شود از تو پرسیدند بگو من او را نمی شناسم! {بحار ج 88 ص 4}

پیامبر اعظم ص فرمود: کسی که بطرف مسجد می رود قدم راستش را که بر می دارد یک حسنه برایش نوشته می شود و قدم چپش را که بر می دارد یک گناه از او پاک می شود و هرگاه در نماز جماعت شرکت کرد خدا او را می آمرزد. {کنز العمال ج 7 ص 296}

در حدیث قدسی است که ای پیامبر! به کسانی که در تاریکی به مسجد می روند بشارت بده که در روز قیامت نور ساطع خواهند داشت {وسائل ج 1 ص 268}

پیامبر اعظم ص: یک رکعت نماز در مسجد بهتر از چهل سال نماز در خانه است.

امیر مؤمنان علی ع: هنگامی که آباد کننده مسجد نزد مسجد می رود، مسجد خوشحال می شود همانطور که وقتی یکی از کسان شما که از شما دور بوده، نزد شما می آید و شما خوشحال می شوید. {بحار ج 83 ص 380}

امیر مؤمنان علی ع: هر که صدای اذان مسجد را بشنود همسایه مسجد حساب می شود. {بحار ج 83 ص 379}

امام محمد باقر ع: هرگاه زلزله و کسوف و خسوف و بادهای ترسناک دیدید بیاد قیامت افتاده و به مساجد پناه ببرید. {بحار ج 88 ص 6}

فایده های مسجد

علی[ع] در روایتی که بیانگر فوائد رفت و آمد و به مساجد است بیشترین نقش مساجد را در جهت تبلیغ و ارشاد بیان می فرماید:

من اختلف الى المساجد اصاب احدي الثمان اخا مستفادا في الله او علما مستطرفا او آيه محكمه او يسمع كلمه قول علي هدى او رحمه منتظره او كلمه ترد عن ردى او يترك ذنبا خشيه او حياء .

هر کسی پی در پی به مساجد رود یکی از هشت چیز را بهره خواهد برد:

1. برادری که در راه خدا مورد استفاده او باشد.
2. دانش نو و سودآور.
3. نشانه محکمی که او را در راه حق جدی نماید.
4. شنیدن جمله ای که او را به راه خیر راهنمایی کند.
5. رحمتی که از خداوند منتظرش باشد.
6. سمتی که او راز بدی باز دارد.
7. گناهی را که از ترس خدا ترک نماید.
8. یا این که گناهی راز روی شرم و حیا ترک نماید. {وسائل ج 3 ص 480}

پیامبر اعظم ص: محبوبترین اهل مسجد کسانی هستند که قبل از همه به مساجد وارد شده و بعد از همه از مساجد بیرون می روند. {وسائل ج 12 ص 344}

امام حسین ع: اهل مسجد زائران الهی هستند و بر خداست که به زائرانش هدیه بدهد. {الحکم الزاهره ص 150}

روایت شده در زمان رسول خدا برخی از مردم در آمدن به مسجد مسامحه می نمودند. پیامبر درباره آنها فرمود: شاید دستور دهم تا خانهای آنان را با آتش بسوزانند. {وسائل ج 3 ص 478}

باز روایت شده که در زمان حکومت امیرالمؤمنین علی ع، به حضرت اطلاع دادند که بعضی از همسایه های مسجد، در نماز شرکت نمی کنند. امام فرمود یا بیایند در جماعت ما شرکت کنند یا خانه های خود را جای دیگری ببرند و با ما همسایه نباشند. {بحار ج 88 ص 13}

امام صادق ع فرمود: ای فضل! از هر قبیله ای آنها که برترند اهل مسجدند و از هر خانواده ای آنان که نجیب هستند به مسجد رفت و آمد می نمایند. {وسائل ج 3 ص 477}

پیامبر اعظم ص فرمود: هر که مسجدی بنا کند چه کوچک باشد یا بزرگ، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا می نماید. {کنز العمال ج 7 ص 650}

پیامبر اعظم ص فرمود: هر گاه خداوند تعالی مرضی را از آسمان بر اهل زمین بفرستد آن را از سازندگان مساجد دور گرداند. {نهج الفصاحه حدیث 682}

24- احکام مسجد

90- نماز خواندن در مساجد مستحب است، بلکه حاضر نشدن در مسجد مخصوصا برای همسایگان مسجد- در صورتی که عذری مثل بارش برف و باران نباشد- مکروه است

91- ترتیب اولویت مساجد برای نماز خواندن از نظر ثواب بدین شرح است:

مسجد الحرام هر نماز، معادل یک میلیون نماز

مسجد النبی صلی الله علیه و آله هر نماز، معادل ده هزار نماز

مسجد جامع کوفه- هر نماز، معادل هزار نماز

مسجد الاقصی- هر نماز، معادل هزار نماز

مسجد جامع هر شهر- هر نماز، معادل یکصد نماز

مسجد قبيله- هر نماز، معادل بیست و پنج نماز

مسجد بازار- هر نماز، معادل دوازده نماز

مستحب است انسان نمازش را در مکانهای مختلف و مساجد متعددی بخواند که در قیامت همه آن اماکن و مساجد به نفع او شهادت دهند

94- تعطیل کردن مسجد مکروه است و مستحب انسان نماز را در مسجدی بخواند که نماز گزار ندارد تا تعطیل نشود.

نماز تحیت مسجد

-وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند، کافی است

مستحبات مسجد

109- بجز آنچه تاکنون گفته شد، این کارها نیز درباره مسجد مستحب است:

زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن.

چراغ مسجد را روشن کردن [تامین نور مسجد].

تمیز کردن مسجد.

هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن.

هنگام بیرون آمدن، ابتدا پای چپ را بیرون گذاشتن.

وضو گرفتن، برای رفتن به مسجد.

خوشبو کردن خود و پوشیدن بهتر لباسها برای رفتن به مسجد

مکروهات مسجد

110- این کارها درباره مسجد مکروه است:

عبور از مسجد، به عنوان محل عبور، بدون آنکه در آنجا نماز بخواند.

خوابیدن در مسجد مگر در حال ناچاری.

فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن، مگر برای اذان.

سخن گفتن از امور دنیا در مسجد.

خرید و فروش در مسجد.

انداختن آب دهان و بینی در مسجد (اگر بی‌احترامی به مسجد باشد حرام است).

در احکام مسجد آمده است:

مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، و همسایه او نشود، و از او زن نگیرد و به او زن ندهد. {مسئله 897}

رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیازخورده و بوی دهانش مردم را آزار می‌دهد {توضیح المسائل}

25- مسجد و دشمنان

دشمنان اسلام ناب از همان ابتدا با مسجد مخالف بودند زیرا مسجد محل اشاعه توحید و یکتاپرستی و مبارزه با هر گونه شرک و استکبار بود. لذا به انحاء مختلف سعی در مبارزه با مسجد داشتند. گاه از طریق ساختن مسجد ضرار اقدام می‌کردند. یعنی بوسیله مسجد با مسجد مبارزه می‌کردند. گاه به ساخت خانقاه و جمعخانه روی می‌آوردند همانطور که دروایش و اهل حق و علی‌اللهی‌ها بجای مسجد، به جمعخانه می‌روند. و یا با ساختن مکانهای گوناگون سعی در مبارزه با مسجد و اهل آن داشته‌اند. همچنین در کشورهایمانند ترکیه صدها مسجد را تبدیل به موزه و کاباره

وامثال آن نموده اند. یا در کشورهای غیر اسلامی در راه ساخت مسجد مانع تراشی می نمایند و سخت گیری می کنند. اما برای ساخت مراکز فحشاء و بت پرستی و شیطان پرستی، مانعی نیست!

26- آیات مسجد

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (اعراف 31) یعنی هنگام رفتن به مسجد، زینت‌های خود را بپوشید.»

پیامبر اعظم ص: در آیه شریفه {اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون} آل عمران 200

یعنی صبر کنید و صبور باشید و ارتباط برقرار نمائید و تقوا پیشه کنید شاید رستگار گردید.

مراد از رابطوا زیاد رفت و آمد کردن به مسجد است. {بحار ج 83 ص 396}

و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا (حج 40) مساجدی که نام خدا در آن زیاد برده می شود.

و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر اسم فیها اسمہ (یقره 114) چه کسی ظالم تر است از آدمی که مانع از ذکر الهی در مساجد می شود؟

وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (جن 18) مساجد محل عبادت الهی است پس کسی را شریک خدا نگردانید.

واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین (اعراف 29) صورتهای خود را در مساجد بر خاک گذاشته وبا اخلاص خدا را صدا بزنید.

ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجدالله شاهدین علی انفسهم بالكفر اولئک حبطت اعمالهم وفی النار هم فیها خالدون. انما یعمر مساجدالله من آمن بالله والیوم الآخر واقام الصلوه وتی الزکوه ولم یخس الا الله فعسی اولئک ان یتوبوا من المهتدین. اجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن آمن بالله و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لایستون عندالله والله لایهدی القوم الظالمین {17-19 توبه}

مشرکین حق ندارند درحالی که خود شاهد بر کفرشان هستند، مسجد بسازند. اعمال آنها باطل بوده و در جهنم ابدی هستند. حقیقتاً مساجد را کسانی می سازند که ایمان به خدا و قیامت داشته و اهل نماز و زکات بوده و از غیر خدا نترسند. آیا اینگونه قرار دادید که کسی که سقای حاجی هاست یا کلیددار کعبه است برابر است با کسی که ایمان به خدا و قیامت آورده و در راه خدا جهاد نموده است؟ اینها در نزد خدا با هم مساوی نیستند و خداوند ستمکاران را هدایت نمی نماید.

لمسجد اسّس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه. فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین {توبه 108}

همانا مسجدی که بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است تا در آن اقامه نماز گردد. در این مسجد مردانی هستند پاکیزه. و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

27- لطیفه‌هایی با موضوع مسجد

میرزا ندیم، شبی به مسجد حاج میرزا هادی رفته و از شدت مستی به گوشه‌ای افتاده بود.

صبح امام جماعت برای نماز به مسجد آمد، تا او را دید گفت: او را بکشید و از مسجد بیرونش کنید.

او گفت: آخوند مگر من مد «الضالین» هستم که مرا بکشند.

یکی از روحانیون که امام جماعت یکی از مساجد بود منتظر فرصتی بود که بگوید: ریش تراشی حرام است، تا این که روزی در ماه رجب به دعای مخصوصی رسید که بین نماز خوانده می شود، در حین خواندن دعا به این جمله رسید که: «...حرم شیبیتی علی النار؛ خدایا محاسن مرا بر آتش جهنم حرام گردان».

فرمود: آنان که ریش ندارند، چگونه این دعا را می خوانند، لابد می گویند: «اللهم حرم چونتی علی النار؛ خدایا چانه مرا بر آتش حرام گردان، چون من که ریش ندارم.»

پیر مردی خواست، پسرش را تنبیه کند. پسرش از پیشش فرار کرد و به مسجد رفت. پیرمرد نزدیک در مسجد آمد و سرش را در درون مسجد کرد و به پسرش خطاب کرد که فلان فلان شده، بیا بیرون و بعد از هفتاد سال پای مرا به مسجد باز نکن.

شخصی دو رکعت نماز در مسجد در نهایت تعجیل می خواند. امام سجاد -علیه السلام به او نگاه می کردند. او بعد از نماز دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا چهار

حورالعین و یک کاخ زرین در بهترین جای بهشت به من عطا فرما. امام فرمودند:
مهر حقیر آورده‌ای و نکاح عظیم می‌طلبی؟

شخصی مسجدی ساخته بود و نام خود را بر سر در آن نصب کرده بود. بهلول نام او را شبانه از سر در مسجد کند و نام خود را بر روی سر در مسجد نصب کرد. بانی مسجد وقتی نام بهلول را در روی مسجد دید، با عصبانیت سراغ بهلول رفت و او را عتاب کرد که چرا نام مرا از سر در مسجد برداشته‌ای و نام خود را بر جای آن نصب کرده‌ای؟

بهلول گفت: اگر مسجد را به خاطر خدا ساخته‌ای، چه فرق می‌کند که نام من باشد یا نام شما؟

از کسی پرسیدند: هرگز در کاری بر دیگران سبقت گرفته‌ای؟ گفت: بلی. او پرسید:
در چه کاری؟ گفت: در بیرون آمدن از مسجد.

حاشیه نویس: لابد برای ادای حق الناس و یا انجام کارهای خیر بوده است والا آدم مسجدی، مانند ماهی و آب است و هرگز از مسجد گریزان نیست.

امام باقر -سلام الله علیه از پیامبر -صلوات الله علیه و آله نقل نموده که روزی پیامبر در مسجد نشسته بودند، مردی وارد شد و بی آن که رکوع و سجود خویش تمام کند،

نماز گزارد. پیامبر(ص) فرمود: نماز او چون مرغی است که نوک بر زمین می‌زند و اگر با این حال از دنیا برود به دین من نمرده است.

مؤذنی اذان می‌گفت تا رسید به «حی علی الصلوۀ»، مردم با عجله به سوی مسجد شتافتند تا این که صفهای مردم آماده نماز جماعت شد. ظریفی گفت: اگر مؤذن به جای حی علی الصلوۀ «حی علی الزکوۀ» می‌گفت، مردم در فرار از مسجد سبقت می‌گرفتند.

حاشیه نویس: البته برای مؤمنان واقعی دستور نماز و زکات فرقی نمی‌کند.

عربی صبح به مسجد در آمد که نماز گزارده و عجله داشت. پیشنماز هم بعد از سوره فاتحه سوره نوح را شروع کرد، چون گفت: «انا ارسلنا نوحا» یعنی: «ما فرستادیم نوح را» و ما بقی آیه از یادش رفت و سکوت او طول کشید. عرب را طاقت نماند و گفت: ایها القاری اگر نوح نمی‌رود، دیگری را بفرست و ما را رها کن.

به شخصی که در نماز جماعت مسجد شرکت نمی‌کرد، گفتند: چرا در نماز جماعت شرکت نمی‌کنی؟ گفت: قرآن می‌فرماید: «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر».

چند نفر در مسجد نماز می‌خواندند، اولی حرفی زد. دومی که مشغول نماز بود، گفت:
حرف نزن. سومی گفت: الحمدلله که من حرف نزد.

ریاکاری مشغول نماز بود، احساس کرد، کسی وارد مسجد شده، نمازش را با
کیفیت‌بهتری خواند. بعد از نماز نگاه به عقب کرد، دید سگی است که درب مسجد
را باز کرده و وارد شده است.

{احکام جوانان. محمد اکبری}

منابع

احکام مسجد - محمد حسین فلاح زاده
ارزش و اهمیت نماز - محمد تقی صرفی پور
عارف کامل معاونت پژوهشی بنیاد فرهنگی شهید شاه آبادی

داستانهایی از زندگی علماء-محمد تقی صرفی پور
بحار الانوار-علامه مجلسی
اصول کافی-شیخ کلینی
حیوة القلوب-علامه مجلسی
ارشاد-شیخ مفید
ستارگان درخشان-محمد جواد نجفی
با قرآن بیشتر آشناشویم-مؤلف
خوبیها و بدیها-مؤلف
نهضت امام خمینی-سید حمید روحانی
صحیفه نور
چهره درخشان قمر بنی هاشم-ربانی خلخالی
داستانهای شگفت-شهید دستغیب
تاریخ عرب-فیلیپ خلیل
منتهی الامال-شیخ عباس قمی
چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران-روح الله حسینیان
الامام الصادق والمذاهب الاربعه-حیدر اسد
آثار اسلامی مکه و مدینه-رسول جعفریان
آیا بیاد امام زمان هستید؟-مؤلف
آئین مسجد-محمد علی موظف رستمی
احکام مسجد-فلاح زاده
وسائل الشیعه-شیخ حر عاملی
مستدرک وسائل-ثقه الاسلام نوری
زندگانی امام حسین ع-مؤلف

احكام جوانان - محمد اكبرى